

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به مسائل شرعی  
دفتر حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۰ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۲

نمبر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۰۸۰

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ - ۶۶۵۶۴۰۰۰      نمابر: ۰۲۱ - ۶۶۵۶۴۰۰۵  
نشانی: خ کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲      نمابر: ۰۵۱۱ - ۲۲۲۲۵۷۷

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰      نمابر: ۰۳۱۱ - ۴۴۶۳۳۹۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴      نمابر: ۰۷۱۱ - ۲۲۲۶۷۰۰

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۳۰۰      نمابر: ۰۸۶۱ - ۲۲۵۹۷۷۷

دفتر تبریز - تلفن: ۰۴۱۱ - ۵۲۶۴۶۲۶

دفتر کرمان - تلفن: ۲۲۳۲۳۵۷ - ۲۲۳۲۳۵۶ - ۲۲۳۹۱۴۳      نمابر: ۰۳۴۱ - ۲۲۲۱۲۷۴

دفتر خرم آباد - تلفن: ۰۶۶۱ - ۳۲۲۷۶۱۹ - ۳۲۱۷۰۴۰ - ۳۲۱۷۰۳۹۰

دفتر گرگان - تلفن: ۲۲۳۳۲۶۰ - ۲۲۳۳۲۷۰      نمابر: ۰۱۷۱ - ۲۲۳۳۲۸۰

پاسخگویی به مسائل حج: تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰ / همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

www.saanei.org

Istifta @ saanei.org

Saanei @ saanei.org

Info @ saanei.org

۳۰۰۰۷۹۶۰

آدرس اینترنت:

پاسخ به استفتائات

تماس با دفتر معظم له

تهیه کتاب

سرویس پیام کوتاه

# احكام تعلم و تربيت

مطابق با فتاویٰ مرجع عالیقدر

حضرت آية الله العظمى صانعي



انتشارات میثم تمار

نشانی: قم - خیابان صفائیه، کوچه ۲۷، کوچه ۵، پلاک ۱۶۲  
صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۹۱ - ۷۸۳۵۰۹۰ / تلفکس (۰۲۵۱) ۷۷۴۱۰۶۵  
همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

## احکام تعلیم و تربیت

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیة الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی مد ظلّه العالی

- ناشر: انتشارات میثم تمار
- صفحه آرایی: مرتضی فتح‌اللهی
- لیتوگرافی: نویس
- چاپ: علوی
- نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۸
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- بها: ۱۵۰۰ تومان
- کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۶-۳۶-۷

## مراکز پخش

فروشگاه اینترنتی کتاب:

[www.sababook.ir](http://www.sababook.ir)

پخش کتاب دریای دانش:

تهران: خ انقلاب، خ فخر رازی، کوی فاتحی داریان، پلاک ۱۴

تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

## فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	● فصل اول: آموزش‌های گوناگون و احکام آنها
۱۵	آموزش احکام شرعی
۱۶	آموزش علوم دینی
۱۷	آموزش قرآن
۱۸	آموزش ورزش‌ها
۱۹	آموزش موسیقی
۲۱	آموزش رقص
۲۱	آموزش مجسمه‌سازی
۲۳	آموزش شطرنج

## ۶ ● احکام تعلیم و تربیت

- آموزش شعبده و تردستی ..... ۲۳
- آموزش سحر، جادو و هیپنوتیزم ..... ۲۳
- آموزش علم جفر و رمل و اسطرلاب ..... ۲۴
- آموزش نجوم ..... ۲۴
- آموزش نظامی برای زنان ..... ۲۴
- آموزش رانندگی برای زنان ..... ۲۴
- آموزش تخصص‌های پزشکی برای زنان ..... ۲۵
- آموزش‌های جنسی جهت جلوگیری از بیماری‌ها ..... ۲۶
- فصل دوم: احکام و وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان ..... ۲۷
- احکام و وظایف والدین نسبت به آموزش و محیط آموزشی فرزندان ..... ۲۷
- هزینه‌های تحصیلی فرزندان و تأمین آنها از وجوهات شرعیه ..... ۲۹
- تنبيه کردن فرزندان ..... ۳۱
- فصل سوم: احکام و وظایف مدیران ..... ۳۳
- مدیران و مسائل مالی ..... ۳۳
- مدیران و رعایت شئون اخلاقی متقابل ..... ۳۶
- مسائل متفرقه مدیران ..... ۳۷
- فصل چهارم: احکام و مسائل دانش‌آموزان و دانشجویان ..... ۳۸
- مسائل بلوغ، تکلیف و رشد ..... ۳۸
- احکام نماز و مسجد ..... ۴۰
- احکام روزه ..... ۴۸
- احکام زکات و خمس ..... ۵۱
- احکام حجاب، پوشش و آرایش ..... ۵۵

## فهرست مطالب ● ۷

احکام و مسائل مالی .....	۶۱
احکام دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و معلولان جسمی .....	۶۴
مسائل متفرقه دانش‌آموزان .....	۶۷
احکام و مسائل آموزشی دانشجویان .....	۶۸
احکام دانشجویان رشته هنر .....	۷۷
احکام روابط دانشجویان با اساتید .....	۸۱
احکام روابط بین دانشجویان .....	۸۲
احکام و مسائل ازدواج .....	۸۴
احکام و مسائل امر به معروف و نهی از منکر .....	۸۷
مسائل متفرقه دانشجویان .....	۹۲
<b>● فصل پنجم: احکام و مسائل معلّمین و اساتید .....</b>	<b>۹۵</b>
احکام و مسائل نماز و روزه .....	۹۵
شرکت معلّمین در مراسم افطاری که از اموال دانش‌آموزان تهیه می‌شود .....	۹۷
احکام و مسائل خمس .....	۹۸
احکام و مسائل شغلی معلمان و اساتید .....	۱۰۰
احکام و مسائل متفرقه معلّمین و اساتید .....	۱۰۲
تنبیه بدنی دانش‌آموزان .....	۱۰۴
ارفاق نمره .....	۱۰۷
<b>● فصل ششم: احکام مدارس .....</b>	<b>۱۰۹</b>
احکام مدارس .....	۱۰۹
استفاده از وجوه شرعی برای مدرسه‌سازی .....	۱۱۲
احکام و مسائل متفرقه مدارس .....	۱۱۳

۸ ● احکام تعلیم و تربیت

۱۱۴.....مدارس غیر انتفاعی

۱۱۴.....مدرسه سازی توسط بیگانگان



## مقدمه

از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب  
بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد  
(مثنوی معنوی)

سخن را با کلامی از معلم و مربی انسانیت، علی علیه السلام آغاز می‌کنیم که به  
کمیل فرمود:

«یا کمیل! ان رسول الله صلی الله علیه و آله ادبه الله و هو ادبنا و انا اؤدب المومنین و  
اورث ادب المکرمین»<sup>۱</sup> ای کمیل! پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را خدا  
تربیت کرد و آن حضرت مرا تربیت نمود و من نیز اهل ایمان  
را تربیت نمودم و آداب پسندیده را به آنها یاد می‌دهم.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

بنابراین ما نیز در این وادی حیرت و سرگردانی انسانها بین مذاهب و مکاتب گوناگون، گوش جان به فرمان مطاع مبارکش می سپاریم که فرمود: «فاستمعو من ربانیکم و احضروه قلوبکم و استیقظوا ان هتف بکم»؛<sup>۱</sup> به سخن مرد خدا و مربی الهی خویش گوش فرا دهید و دلهای خود را در پیشگاه او حاضر سازید و هنگامی که به خاطر احساس خطر، فریاد می کشد بیدار شوید.

هم او فرمود:

«ان اولی الناس بانبياء اعلمهم (اعلمهم) بما جاوا به؛ ثم تلايهم: ان اولی الناس بابراهيم للذين اتبعوه و هذا النبی والذين آمنوا»؛ نزدیکترین مردم به پیامبران، کسانی هستند که به تعالیم انبیاء آگاهترند؛<sup>۲</sup> سپس این آیه را تلاوت نمود که: نزدیکترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند...<sup>۳</sup>

و بر ماست که به پاس زحمات بی شائبه عالمان ربانی از چشمه زلال دانش آنان بهره بگیریم و در میان این توفان شبهه‌ها، اندیشه خود را به نور علم عالمان ربانی روشن نموده و در میان تند باد حوادث، به ستون محکم دانش و بصیرت آنان پناه بیاوریم. چرا که امیر سخن می فرماید:

«الناس ثلاث: عالم ربانی، متعلم علی سبیل نجات و همج راع»؛

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۶۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۹۶.

۳. آل عمران، آیه ۶۸.

مردم سه دسته‌اند: عالم الهی، و دانش طلبانی که در راه نجات دنبال تحصیل علمند، و احمقان بی سر و پا که دنبال هر صدایی می‌دوند و با هر بادی حرکت می‌کنند.

و در جایی دیگر می‌بینیم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الناس اثنان: عالم و متعلم و سائر الناس همج و الهمج فی النار»<sup>۱</sup>

گویی منظور امام علیه السلام از این عبارت این است که دسته سوم اصلاً قابل اعتنا نیستند، تا اینکه قسمی جداگانه قرار گیرند؛ اگر چه اکثریت با این دسته سوم است.

و باز امام متقین علیهم السلام در اهمیت فراگیری علم از عالمان ربانی می‌فرماید:

«ای مردم! بدانید که کمال دین، طلب علم و عمل به آن است، و طلب دانش بر شما واجب‌تر از طلب مال است؛ زیرا مال بین شما تقسیم و سهم شما از ثروت و مال تضمین شده و به عدالت بین شما تقسیم گشته و به شما خواهد رسید و حال آنکه علم برای شما نزد اهلش به ودیعه نهاده شده و به شما امر شده به دنبال آن بروید و آن را از اهلش طلب کنید. بدانید کثرت و فراوانی مال موجب فساد دین و قساوت قلبهاست و حال آنکه زیادی دانش و عمل به آن به صلاح و منفعت دین و وسیله‌ای است برای رسیدن شما به بهشت...»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام دربارهٔ جُهَّال و نادانهایی که از فرامین و توصیه‌های معلمان

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. تحف العقول، ص ۱۹۹.

و مریبان الهی سرپیچی نموده و از دانش آنها بی بهره‌اند می‌فرماید:  
«آنان (نادانان) با فروغ حکمت، عقل و خرد خویش را  
روشن نساخته و با آتش افروز دانش‌های روشنگر، فکر  
خود را شعله‌ور ننموده‌اند. آنها در این کار همچون  
چارپایان صحرائی و سنگهای سخت و نفوذ ناپذیرند»<sup>۱</sup>.

و همان امام همام در تعبیری تندتر می‌فرماید:

«مانند ستم‌پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در  
پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسایی خدا اندیشه  
می‌کردند. مثل تخم افعی در لانه پرنده‌گان که شکستن  
آن گناه است، زیرا گمان می‌رود که تخم پرنده باشد،  
اما جوجه آن شرّ و زیانبار است؛<sup>۲</sup> (یعنی ظاهر شما به  
حکم محیط اسلامی ایمان است، ولی در باطن صفات  
جاهلیت دارید).

و باز می‌بینیم که در حکمت ۲۸۸ نهج البلاغه می‌فرماید:

«هرگاه خداوند بنده‌ای را به خاطر گناهانش پست شمارد،  
علم و دانش را از او منع می‌کند».

بنابراین با این همه توصیه که در بیان معصومین علیهم‌السلام درباره کسب علم از  
عالم ربانی شده است، شایسته است که از این درخت تناور و مبارک نهایت  
بهره را ببریم؛ چرا که فرمودند:

«در فراگیری علم پیش دستی کنید، قبل از آنکه درخت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.

دانش بخشکد و پیش از آنکه استفاضه علم از اهلش  
وامانده و به خود مشغول گردید.<sup>۱</sup>

فقهای عظام، که مصادیق روشن «وارثان پیامبران»<sup>ﷺ</sup> و عالمان  
شریعت‌اند و حظّ وافری از علم و سخن پیامبران را به ارث برده‌اند،  
به فراخور شرافت و فضیلت «فقه» و به اقتضای نیاز فراگیر و همه  
جانبه آحاد مردم به آگاهی از احکام شریعت و مسائل شرعی، بیشترین  
نقش را در پاسخگویی به نیازهای دینی و پرسشهای شرعی جامعه داشته  
و دارند و تاریخ فقه شیعه، گویای این حقیقت استوار و شیرین است  
که فقهای بزرگوار ما از عهده این مسئولیت، سربلند و موفق بیرون  
آمده‌اند، کمتر نکته‌ای را فرو گذاشته‌اند و بیشترین پرسشها را  
پاسخ گفته‌اند و با مهارت تمام و تعهد کامل، در چارچوب موازین  
شریعت، به بیان احکام و پاسخگویی به پرسشها و استدلال بر آنها  
پرداخته‌اند.

هزاران کتاب و رساله فقهی که تاکنون تنها بخش کمی از آنها منتشر  
شده و در دسترس قرار گرفته است، گواه صادقی بر این حقیقت است.  
مجموعه حاضر که تحت عنوان «احکام تعلیم و تربیت» تدوین یافته  
است، مجموعه‌ای است از استفتائاتی که طی سالها در محضر فقیه  
ارجمند، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی مدظله العالی  
مطرح شده و البته این مسائل بیشتر از بُعد و نگاه تربیتی ارائه شده که  
توسط پژوهشگران گروه تحقیقات مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین به گونه‌ای  
زیبا و راهگشا تدوین یافته تا بخش عمده‌ای از فتاوی آن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

مرجع عالی مقام در زمینه مسائل تربیتی به راحتی در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

با عنایت به پاسخهای متین و راهگشای معظم‌له، اطمینان داریم که مجموعه حاضر در نوع خود اثری بسیار ارزشمند و پاسخگوی بسیاری از نیازهای موجود است.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب  
مؤسسه فرهنگی فقه‌التقلین

علی به این رساله که مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی  
صانعی رحمته الله علیه می باشد مجری و مبرز ذمه است. ان شاء الله

رجب المرجب ۱۴۳۰



## فصل اول

### آموزش‌های گوناگون و احکام آنها

#### آموزش احکام شرعی

﴿س ۱﴾ مسئولیت والدین نسبت به آموزش احکام شرعی به فرزندان چیست؟ آیا واجب است به آنها احکام شرعی را یاد دهند و زمینه یادگیری آنها را فراهم کنند یا نه؟

ج - همان گونه که تعلیم و تربیت و گذاردن نام نیک حق فرزند بر پدر و مادر است، یاد دادن احکام اسلام هم مانند آن لازم است.  
۸۸/۲/۲۰

﴿س ۲﴾ دانستن مسائل و احکام شرعی برای مدیران و مسئولین آموزش و پرورش، معلمین و دانش آموزان، تا چه حدی لازم است؟

ج - مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد. بنابراین بر هر کس، یاد گرفتن واجبات و

محرماتی که با شغل او سر و کار دارد و در معرض ابتلای به آن است، واجب است.

### آموزش علوم دینی

﴿س ۳﴾ در عصر حاضر، تحصیل در حوزه و علوم اسلامی مهم تر است یا در دانشگاهها؟

ج - علم منحصر به فقه و فقاہت نیست و باید افراد مستعد همه علوم را که مورد نیاز مسلمانان است تحصیل نمایند و اگر کسب علم برای رضای حق تعالی و خدمت به اسلام و مسلمین و در جهت اعتلای کلمه حق و بی نیازی از بیگانگان باشد، فرقی بین علوم وجود ندارد. ۸۰/۹/۲۴

﴿س ۴﴾ دانشجویی مدت چهار سال است که در دانشکده پزشکی درس می خواند، و علاقه شدیدی به فراگیری علوم دینی دارد، آیا ادامه تحصیل در رشته پزشکی برای او واجب است یا اینکه می تواند دانشگاه را رها کند و به تحصیل علوم دینی بپردازد؟

ج - با توجه به تخصص او و نیاز این کشور به انواع تخصص های مفید و با توجه به صرف هزینه های مادی فراوان و همت خودش در رسیدن به این مرتبه علمی، ادامه مطالعات و برآوردن نیاز مردم، خدمتی بزرگ و مرضی خداوند متعال خواهد بود و عزیمت برای امثال این افراد، نه تنها مطلوب نبوده، بلکه مذموم هم می باشد.

﴿س ۵﴾ حکم کسب علوم دینی برای جوانان با استعدادی که به علوم



دینی نیز علاقه‌مند هستند چیست؟

ج - هر جوانی که حوزه و روحانیت را شناخته است و درک کرده است که اساس در حوزه‌های علمیه و شیوه سلف صالح، بر زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و جهات مادی است، و خود را برای تحمّل مشکلات فراوان مادی - که متوجّه خود و خانواده‌اش می‌شود - آماده نموده، و مطمئن است که بعد از ورود، از اوضاع خود و دیگران گله و شکایت نمی‌نماید، ورود این گونه افراد در حوزه‌ها بسیار مطلوب و برای حفظ ودائع قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام لازم است و نباید ترک گردد، که ترک آن، پشت کردن به حفظ و احیای آثار اسلام و فقه جعفری است؛ و ناگفته نماند که اگر از جهات اقتصادی، حال و آینده‌اش تأمین بوده و بقیّه مشکلات را هم مطلع باشد، او مانند افراد قسم اول باید خود را به حوزه‌های علمیه - که پربارترین مرکز علمی همراه با تقوا در جهان می‌باشد - رسانده و از مظاهر رحمت الهی بهره‌ وافی ببرد. ۷۴/۶/۲۰

#### آموزش قرآن

﴿س ۶﴾ آموزش و فراگیری نغمات و آهنگ‌های قرآنی به منظور تلاوت نیکوی آیات الهی، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.

﴿س ۷﴾ در صورتی که پدر به فرزند بگوید راضی نیستم در جلسه قرائت قرآن شرکت کنی، آیا اطاعت از پدر در اینجا هم لازم است؟

ج - آزار پدر و مادر، حرام است و اطاعت از آنها در حدّی که باعث شکست و جلوگیری از رشد فرزند نباشد، مطلوب است.  
۷۷/۹/۵

﴿س ۸﴾ غلط خواندن بعضی از کلمات قرآن به طور عمدی برای توجّه بیشتر دانش آموزان و در امر آموزش و داوری مسابقات قرآن چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.  
۷۴/۲/۱۰

﴿س ۹﴾ آیا می توان صدقه را برای تأمین هزینه های کلاس آموزش قرآن و احکام واریز نمود؟

ج - چیزی که به عنوان صدقه داده می شود و یا اخذ می گردد، چون نظر متعارف و بنای مردم ما در امروز، بلکه در دیروز، بر صرف برای افراد می باشد، لذا نمی توان در کارهای خیریه دیگر مصرف نمود؛ مگر در هنگام پرداخت، خود پرداخت کننده، آن را برای هر کار خیر پردازد.  
۸۰/۳/۱۰

#### آموزش ورزش ها

﴿س ۱۰﴾ آموزش و تعلیم چه ورزش هایی با فرهنگ اسلامی مناسب است؟

ج - ورزش فی حدّ نفسه اگر حرام دیگری را موجب نشود، از نظر اسلام منعی ندارد و در بعضی از ورزش ها مثل اسب سواری و شنا و غیره تشویق هم شده است، و فرقی بین انتخاب ورزش به عنوان شغل و یا قهرمانی نمی باشد.  
۸۰/۸/۲

آموزش‌های گوناگون و احکام آنها • ۱۹

﴿س ۱۱﴾ چه نوع ورزش‌هایی برای زنان مناسب‌تر است؟ نظر مبارک خود را در مورد ورزش اسب‌سواری و دوچرخه‌سواری خانم‌ها مرقوم فرمایید.

ج - هر نوع ورزشی که برای مردان جایز و حلال است، برای بانوان هم فی حدّ نفسه، حلال و جایز است. آری، احترام و شخصیتی که اسلام برای زنان، تحت عنوان عفت و حجاب آنها و مستور بودنشان قرار داده است، باید مورد نظر قرار گیرد.

۷۶/۱۲/۱۳

﴿س ۱۲﴾ آیا برای زنان و دختران جایز است نزد مریبان مرد، ورزش‌های مختلف را فراگیرند؟ این عمل تا چه حدّی جایز است؟

ج - اگر در مکان‌هایی است که در منظر و دید نامحرم هستند، حرام می‌باشد؛ ولی اگر در جایی باشد که مردان نیستند، مانعی ندارد.

۸۰/۸/۲

﴿س ۱۳﴾ آیا رضایت والدین برای شرکت در کلاس‌های ورزشی لازم است؟

ج - رضایش لزوم شرعی ندارد، اما اجازه آنها از لحاظ اخلاقی و تربیتی جای بحث نیست.

۸۸/۲/۲۰

#### آموزش موسیقی

﴿س ۱۴﴾ آموزش و اجرای موسیقی سنتی به قصد نشر و احیای موسیقی اصیل، جایز است یا نه؟ و آموزش آلات موسیقی چون سنتور و ارگ و... برای دانش‌آموزان عضو گروه‌های سرود مدارس برای اجرای

سرودهای مذهبی و انقلابی چه حکمی دارد؟

ج - در صورت انجام نگرفتن فعل حرام دیگری همراه آن، همانند محتوای باطل و غیر آن، فی حدّ نفسه مانعی ندارد. همچنین هر موسیقی‌ای که حرام باشد - یعنی دارای محتوای باطل و برای شب‌نشینی‌های کتیف و ظلمانی باشد - تعلیم آن هم حرام است، امّا کلاس، محض یاد گرفتن، که هم می‌شود در راه مشروع از آن استفاده نمود و هم غیر مشروع و هدف، آن باشد که در راه مشروع از آن استفاده شود، جایز است. ۷۸/۲/۳۰

﴿س ۱۵﴾ آیا آموزش و تعلیم موسیقی و آموختن استفاده از انواع آلات موسیقی و تأسیس اماکنی به نام هنرکده و فرهنگ‌سرا جایز است؟ همچنین آیا مقاصدی چون (هنر، طبابت، افزایش شیر دام، افزایش رشد گیاه و...) در معیار حرمت یا عدم حرمت موسیقی تأثیر دارد؟

ج - هر نحو موسیقی و غنا و اصوات و لهو الحدیثی که موجب گمراهی انسان از راه خدا و سعادت گردد، اجرا و شنیدن و تهیه ابزار و وسایل مخصوص آن یا درست کردن به قصد چنین استفاده‌ای، همه و همه، حرام و معصیت است. و ناگفته نماند که ترویج و تشویق بی‌عفتی و بی‌بند و باری و گناهان فکری و بدنی و تنبلی و کَلِّ بر جامعه شدن و اعتیاد به موادّ مخدر و الکل و دیگر معاصی، همه و همه، ضلالت عن سبیل الله است و از همه راه‌های منجر به آنها باید جلوگیری شود و هر موسیقی‌ای که موجب و سبب آنها

## آموزش‌های گوناگون و احکام آنها ● ۲۱

باشد، موسیقی حرام است و هیچ تفاوتی بین انواع و اوزار و ادوات آنها نیست. آری، موسیقی‌هایی را که دارای این نحو از اضلال نباشند و همراه با حرام دیگری - مانند اختلاط زن و مرد و ابتدال در مجلس نباشند - نمی‌توان گفت حرام است و ظاهراً جایز و مباح است.

۷۷/۹/۱۵

### آموزش رقص

﴿س ۱۶﴾ آیا آموزش و یادگیری رقص و ایجاد مراکزی برای آموزش رقص جایز است یا خیر؟ همچنین آیا جایز است مرد به مرد دیگر یا زن به زن دیگر یا زن به شوهر خود و بالعکس رقص آموزش دهد؟

ج - رقص را فی حدّ نفسه، چنانچه حرام دیگری مانند ترویج باطل و ترویج طاغوت و اختلاط مرد و زن را در پی نداشته باشد، نمی‌توان گفت حرام است؛ و اما در مجالسی که زن و مرد هر دو باشند، چه زن بر قصد، چه مرد رقص حرام است؛ همان‌طور تماشای رقص دیگران هم در چنین مجالسی، ترویج بی‌عفتی و حرام است و یادگیری آن هم تابع اصل رقص در حرمت و حلیت است. و اما ایجاد کلاس برای چنین امری تابع قانون و مقرّرات است.

۷۶/۱۲/۲

### آموزش مجسمه‌سازی

﴿س ۱۷﴾ از آنجا که رشته‌هایی چون مجسمه‌سازی در دانشگاه‌های ایران اسلامی تدریس می‌شود، آیا تحصیل و تدریس در این رشته‌ها

جایز است؟ همچنین آیا در رشته‌های جدید درسی، جایز است که دانش‌آموزان به امر آموزش و یادگیری فن مجسمه‌سازی و عروسک و ساخت آنها از پارچه یا چیز دیگر اقدام کنند و به آموزش این امور بپردازند؟

ج - اقسام هنرهای قلمی و صوتی و تجسمی و غیر آنها، از صدا و سیما گرفته تا بقیه هنرها، همه و همه، فی حدّ نفسه به حکم اسلام، حلال و جایز است؛ آری تکلم و سخن گفتن همانند آنها نعمتی از نعم الهی است و وقتی که در مسیر و برای هدفی عقلایی و مفید برای جامعه مورد استفاده قرار گیرد، محکوم به حکم همان هدف است؛ یعنی ممکن است واجب و یا مستحب گردد. چگونه می‌توان به اسلام عزیز نسبت داد که هنر را فی حدّ نفسه حرام بدانند، با اینکه برای حضرت سلیمان، حسب منطق قرآن، مثال‌ها و صورت‌ها می‌ساخته‌اند؛ یعنی هنر نقاشی و یا تجسمی. همچنین از خطّ زیبا در فرهنگ مسلمین تعریف شده و خداوند به قلم و سطرها سوگند یاد نموده است. آری، هرچه وسیلهٔ فساد و تباهی جامعه باشد، عقلاً و شرعاً حرام است، بدون تفاوت بین هنر و یا غیر آن؛ پس مناط حرمت، فساد و تباهی و مناط جواز، عدم آنهاست. و مجسمه‌سازی، برای اهداف عقلایی، حرام نیست و نقاشی و طراحی‌ای که دارای مفسده نباشد و بی‌عفتی و بی‌بند و باری را ترویج نکند، جایز است و منعی ندارد.

### آموزش شطرنج

﴿س ۱۸﴾ با توجه به اینکه در بیشتر مدارس، بازی با شطرنج رواج دارد، آیا برگزاری دوره‌های آموزشی شطرنج جایز است؟  
ج - به طور کلی بازی با آلات قمار، همانند غیر آلات قمار، اگر بدون برد و باخت پول و فقط برای سرگرمی باشد، فی حدّ نفسه مانعی ندارد.  
۸۶/۲/۱

### آموزش شعبده و تردستی

﴿س ۱۹﴾ یاد گرفتن، یاد دادن و تماشای شعبده و تردستی و پول دادن برای آن چه حکمی دارد؟  
ج - شعبده بازی که دارای غرض عقلایی مانند تفریح و یا تعلیم باشد و همراه با ارتکاب حرام نباشد، مانعی ندارد و اجرت و کسب آن هم حلال است و پول دادن، تابع اصل عمل است؛ یعنی این گونه اعمال، در همان گونه مجالس که مجالس شادی است، اگر همراه با حرام نباشد، جایز است و پول دادن برای آن هم مانعی ندارد.  
۷۸/۵/۹

### آموزش سحر، جادو و هیپنوتیزم

﴿س ۲۰﴾ تعلیم و تعلّم علمی مانند سحر، جادو و هیپنوتیزم، چه حکمی دارد؟  
ج - حرام است، مگر برای دفع و یا رفع ضرر مشابه، با

۷۴/۴/۷

انحصار طریق به آن.

#### آموزش علم جفر و رمل و اسطرلاب

﴿س ۲۱﴾ آیا یاد گرفتن و یاد دادن علم جفر و رمل و اسطرلاب، جایز است؟

ج - نباید عمر را صرف این گونه علوم نمود، بلکه اگر اعمال حرامی را در پی دارد حرام است.

۷۵/۱/۵

#### آموزش نجوم

﴿س ۲۲﴾ تحصیل علم نجوم چه حکمی دارد؟

۷۵/۱/۵

ج - جایز است.

#### آموزش نظامی برای زنان

﴿س ۲۳﴾ حکم آموزش نظامی برای زنان چیست؟

ج - با رعایت کامل حجاب اسلامی، مانعی ندارد. ۷۹/۹/۱۵

#### آموزش رانندگی برای زنان

﴿س ۲۴﴾ آیا برای زنان یادگیری فن رانندگی به کمک مرد اجنبی در مکان مخصوص تعلیم رانندگی جایز است؟

ج - آموزش رانندگی، فی حدّ نفسه برای خانمها مانعی ندارد؛ اما به طور کلی اجتناب و پرهیز از مکانهای خلوتی که بودن مرد و زن در آن مکان سبب سلطه شیطان می‌گردد،



آموزش‌های گوناگون و احکام آنها ● ۲۵

لازم عقلی است و ماندن در آنجا از نظر عقل ممنوع است، و در حدّ توان باید تلاش کرد که انسان گرفتار دشمن دیرینه - یعنی شیطان پلید و رجیم - نشود؛ اما بودن مرد و زن اجنبیه در مکانی که رفت و آمد افراد در آنجا مانعی ندارد و مکان خلوت محسوب نمی‌شود، حرام نمی‌باشد و شیطان هم سلطه‌اش ضعیف خواهد بود.

۷۹/۹/۱۵/

#### آموزش تخصص‌های پزشکی برای زنان

﴿س ۲۵﴾ اکثر پزشکان مجاری ادرار و کلیه‌ها مرد هستند، فراگیری این‌گونه تخصص‌ها، جهت کم کردن ارتباطات غیر هم‌جنس، برای زنان چه حکمی دارد؟ همچنین تحصیل زنان در رشته سونوگرافی و ماموگرافی و مامایی چگونه است؟ آیا این رشته‌ها برای خانم‌ها اولویت بیشتری دارد؟

ج - یاد گرفتن و تعلّم علوم پزشکی برای معالجه، مانند بقیّه علوم و صنایع مورد احتیاج جامعه، واجب کفایی است و در این وجوب، بین زن و مرد، فرقی نیست؛ و اما وجوب شرعی برای خاصّ زنان (برای اینکه بانوان بیمار، دچار آثار روانی ناشی از مراجعه به مردان و ارتکاب امر جایز به حکم حاجت و اضطراب نشوند)، دلیلی ندارد؛ لیکن برای حفظ عفاف و ایجاد آرامش روانی برای بانوان بیمار و حفظ عظمت جمهوری اسلامی، فراگیری علوم پزشکی برای زنان، امری مطلوب است.

۸۱/۱۱/۱۰

### آموزش‌های جنسی جهت جلوگیری از بیماری‌ها

﴿س ۲۶﴾ با توجه به مصیبت‌بار بودن بیماری ایدز، آیا آموزش گروه‌های مختلف سنّی را در مورد راه‌های انتقال و نحوه پیشگیری از بیماری ایدز، جایز می‌دانید؟

ج - آری، با قطع نظر از اینکه اصل در همه اعمال و رفتارها جواز و حل و برائت است، تا حرمت آن ثابت شود. به خاطر جلوگیری از یک مفسده بزرگ و فتنه خانمان سوز و بیماری نابود کننده جامعه، اگر شبهه‌ای هم در جهتی از جهات آن و موردی از موارد آن باشد، از باب تراحم و دفع مفسده و فتنه بزرگ که دفعش بر همگان واجب است «و اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» مندفع می‌گردد؛ و ناگفته نماند بسیاری از خصوصیات و جهات آمیزش و امور جنسی در روایات و فتاوی‌ای اصحاب که مورد استفاده همگان است ذکر شده است و مورد تعرض واقع شده است.

## فصل دوم

### احکام و وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان

#### احکام و وظایف والدین نسبت به آموزش و محیط آموزشی فرزندان

﴿س ۲۷﴾ آیا پدر می تواند دختر خود را که در سال دوم دبستان درس می خواند به این دلیل که شاید محیط مدرسه ناسالم باشد و باعث انحراف گردد و یا بعضی از معلمان یا دانش آموزان مؤمن و اهل نماز نباشند، از تحصیل در مدرسه منع نماید؟

ج - آنچه مهم است طلب رضایت است و با عدم رضایت، ولو مشکل شرعی هم نباشد، مسأله مشکل اجتماعی و اختلاف خانوادگی بین پدر و فرزند مطرح است. ۷۵/۱۰/۳

﴿س ۲۸﴾ به خدمت در آمدن یک مسلمان در کشورهای لائیک، مثل ترکیه، مخصوصاً در بخش های فرهنگی آن کشورها چه حکمی دارد؟ پرداخت مالیات و فرستادن فرزندان به مدارس دولتی که شئون غیر

اسلامی بر آنها حاکم است، چطور؟

ج - کار کردن مسلمان برای غیر مسلمان، فی حدّ نفسه مانعی ندارد؛ اما کار حکومتی و شرکتی در امور کشوری و لشکری که از شأن خاصی برخوردار است اگر به قصد ظلم کردن و اذیت کردن مردم باشد و یا کمک نمودن حکومت در موارد ظلم و اذیت و خلاف قانون باشد - یعنی در حقیقت کمک نمودن ظالمین در ظلمشان باشد - در همه جا حرام و غیر جایز است «من اعان ظالماً علی ظلمه و هو یعلم انه ظالم فقد برئ من الاسلام» و فرستادن کودکان به مدارس و مراکز فرهنگی و کار فرهنگی انجام دادن، به خاطر سببیت و تأثیر در انحراف از افکار و آداب و عقاید اسلامی نیز غیر جایز و حرام است.

۸۸/۲/۲۰

﴿س ۲۹﴾ اگر پدر و مادر، فرزندان را از انجام کارهای خوب مثل درس خواندن، بازدارند و وظیفه فرزند در این موارد چیست؟ آیا اطاعت از والدین در این موارد هم واجب است؟

ج - اگر چه چنین فرضی بعید است اما به طور کلی اطاعت از پدر و مادر لزوم اخلاقی دارد، نه شرعی. و قدر متیقن از ادله، حرمت ایدای آنهاست، نه اطاعت مطلقه؛ آن هم در چنین مواردی، آری، احسان مطلوب است.

۸۸/۲/۲۰

﴿س ۳۰﴾ آیا بر پدر و مادر واجب است خواندن و نوشتن را به فرزندان خود (چه دختر چه پسر) یاد دهند؟

ج - یاد دادن خواندن و نوشتن از جمله حقوقی است که

احکام و وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان ● ۲۹

رعایتش بر والدین لازم است. ۸۸/۲/۲۰

﴿س ۳۱﴾ فرستادن فرزندان به مدرسه‌هایی که بعضی از عقاید فاسد در آنها تدریس می‌شود، با فرض تأثیر نپذیرفتن از افکار آنان، جایز است یا نه؟

ج - اگر انسان را از صراط مستقیم و راه راست، منحرف کند و تحت تأثیر افکار و عقاید فاسد قرار گیرد، جایز نمی‌باشد و تشخیص موضوع با خود مکلف است. ۸۶/۹/۴

﴿س ۳۲﴾ چنانچه پدر، فرزند را از تحصیل علوم دینی نهی نکند، ولی معلوم باشد که قلباً به این کار راضی نیست، تحصیل برای فرزند چه حکمی دارد؟

ج - صرف آگاهی به عدم رضایت والدین، موجب عدم جواز عمل نمی‌شود؛ و آنچه که حرام است ایضاً پدر و مادر است. ۸۸/۲/۲۰

#### هزینه‌های تحصیلی فرزندان و تأمین آنها از وجوهات شرعیه

﴿س ۳۳﴾ مخارج اولاد تا چند سال بر پدر واجب است؟ بعضی فرزندان می‌خواهند درس بخوانند، آیا تا پایان تحصیلات پدر باید هزینه تحصیلات آنها را بدهد یا نه؟

ج - بر پدر واجب است که در صورت توانایی، نفقه فرزندان را بر فرض فقر و احتیاج آنها به اندازه رفع احتیاجات عادی آنها بدهد، اما اگر فرزندان توانایی انجام کاری را داشته باشند و یا کاری مطابق با شأن برای آنها

فراهم باشد و به دنبال کسب نروند، نفقه آنان بر پدر واجب

نیست. ۸۶/۹/۳

﴿س ۳۴﴾ اگر پدری مخارج تحصیل فرزند را بدهد چیزی برای او اضافه نمی ماند که خمس آن را بدهد، آیا باید مخارج تحصیلات فرزند را بدهد و خمس ندهد و یا اینکه مخارج تحصیل را ندهد تا پس انداز داشته باشد و خمس بدهد؟

ج - لازم است مخارج تحصیل را بپردازد. ۸۶/۹/۳

﴿س ۳۵﴾ شخصی خودش سیّد است، آیا می تواند به فرزندش که تحصیل می کند و شغلی ندارد از بابت سهم سادات پول بدهد و یا از سهم سادات دیگران به او پرداخت کند؟

ج - پرداخت خمس به فرد واجب النفقه برای مصرف در غیر مخارجی که بر منفق، واجب است با اجازه مجتهد، مانعی ندارد. ۷۷/۱۱/۱۷

﴿س ۳۶﴾ اگر سال خمس کسی مثلاً پایان شهریور باشد، آیا لوازم التحریری که برای سال تحصیلی فرزندانش خریداری کرده است، خمس دارد یا نه؟

ج - جزو هزینه های زندگی است و خمس ندارد، به علاوه ظاهراً هبه به فرزند است. ۷۴/۷/۱۱

﴿س ۳۷﴾ آیا پدر می تواند زکات مالش را جهت هزینه های تحصیل به فرزند محصل خود بدهد؟

ج - چون هزینه تحصیل از نفقات واجبه نمی باشد، مانعی ندارد. ۸۸/۲/۲۰

احکام و وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان ● ۳۱

﴿س ۳۸﴾ آیا والدین می‌توانند زکات مال خود را به فرزندان دانش‌آموز یا دانشجو برای خرید کتاب‌های علمی نظیر ریاضیات، فیزیک، شیمی، مکانیک و... پرداخت کنند؟

ج - اگر فرزند به کتاب‌های علمی و دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خرید آنها به او زکات بدهد. ۸۶/۹/۳

#### تنبیه کردن فرزندان

﴿س ۳۹﴾ اگر پدری جهت تأدیب فرزند خود، طوری او را بزند که مقداری سرخ شود، اگر بعداً از او رضایت بگیرد، آیا باز هم باید حتماً دیه آن را پرداخت نماید؟

ج - با فرض رضایت و بخشش او از دیه بعد از بلوغ و رشدش، چیزی به عهده پدر نمی‌باشد، وگرنه باید دیه‌اش پرداخت شود؛ چون نباید تأدیب را به مرحله دیه رساند و تأدیب را به نحوی باید برنامه‌ریزی کرد که اصولاً به زدن نرسد، چه رسد به زدنی که موجب دیه باشد. ۸۱/۸/۲۸

﴿س ۴۰﴾ اگر پدر یا مادری فرزند خود را برای تربیت یا از روی غضب تنبیه کنند و جای آن سیاه یا کبود یا قرمز شود، آیا دیه دارد؟ دیه آن چقدر است؟

ج - اگر از روی غضب باشد، دیه دارد و دیه آن در صورت، اگر سیاه شود شش مثقال طلا، و اگر کبود شود سه مثقال، و اگر قرمز شود یک مثقال و نیم شرعی طلا می‌باشد و اگر محل ضرب، سایر اعضای بدن باشد، دیه آنها نصف دیه

صورت می‌باشد و مقدار مثقال شرعی، هیجده نخود است  
که سه چهارم مثقال صیرفی می‌باشد. ۷۴/۶/۲۲  
﴿س ۴۱﴾ آیا پدر و مادری می‌توانند به دلیل مشکلات تعلیم و تربیت  
فرزندان، خود را از طرق مختلف عقیم کنند.

ج - کارهایی که سبب عقیمی و نازایی، ولو به طور موقت  
گردد، اگر بعد از داشتن چند فرزند باشد و رضایت همسر  
هم در آن مراعات گردد، نمی‌توان گفت حرام است و عمل،  
فی حدّ نفسه، جایز است؛ مخصوصاً اگر ادامه فرزنددار  
شدن، موجب مشکلها و مشقتها فراوان برای پدر و مادر  
باشد. ۸۶/۹/۳



## فصل سوّم

### احکام و وظایف مدیران

#### مدیران و مسائل مالی

﴿س ۴۲﴾ تکلیف وسایل به جا مانده از دانش‌آموزان در مدرسه، مثل کت، کاپشن، چتر و قلم و... چیست؟ اگر توسط مدیران اعلام شود و صاحب آنها پیدا نشود چه باید کرد؟

ج - پس از یأس از پیدا شدن صاحب آنها، مجاز هستند

برای آنها صدقه بدهند. ۶۸/۱۱/۱۶

﴿س ۴۳﴾ در موارد زیادی دانش‌آموزان وسایلی زاید به آموزشگاه می‌آورند که طبق مقرّرات مدرسه و قرار ابتدای سال، آوردن آنها به محیط مدرسه ممنوع است و توسط مسئولان مدرسه، از دانش‌آموزان گرفته می‌شود؛ در حالی که بسیاری از این اشیاء، هم جنبه مالیت دارند و هم استعمال آنها در بیرون از آموزشگاه، اشکال ندارد. با توجّه به این مطالب بفرمایید:

۱- آیا کسی که آنها را گرفته، در بازگرداندنشان به صاحبانشان ضامن است؟

۲- آیا دیگرانی که صاحب آن مال را نمی‌شناسند، می‌توانند در پایان سال تحصیلی، آنها را به تصرف خود در آورند؟  
۳- آیا برای بازپس دادن این اموال، که فعلاً مجهول‌المالک هستند، فحص و جستجو لازم است؟

۴- در صورتی که این گونه وسایل قابل خرید و فروش بوده و دارای مالیت باشند، آیا پاره کردن آنها و از بین بردنشان جایز است؟ در صورت عدم جواز چطور باید عمل شود؟

ج ۱- آری، ضامن بازگرداندن به صاحبانش هستند؛ چون تصرف و ید بر مال دیگران، موجب ضمان است.

ج ۲- نمی‌توانند، و با فرض مایوس شدن از پیدا کردن صاحب آن، باید با اجازه از مجتهد برای صاحبش صدقه داده شود.

ج ۳- اگر احتمال پیدا شدن وجود داشته باشد، فحص و جستجو لازم است.

ج ۴- در صورتی که مال، منفعت محلله داشته باشد (مثل نوار کاست) محترم است و جایز نیست که اموال محترمه متخلف را تلف کند، مگر آنکه لازمه جلوگیری از معصیت باشد. و در غیر این صورت، ضامن و معصیت کار است.  
۷۸/۱۲/۱۰

﴿س ۴۴﴾ در برخی از دبیرستان‌ها از کمک‌های مردمی که بعضاً به

اجبار از دانش آموزان گرفته می شود مقداری چای یا صبحانه تهیه می کنند و در زنگ های تفریح از معلمان و دبیران پذیرایی می کنند. آیا کسانی که می دانند مقداری از این پول ها جبری گرفته شده است، باید از صرف چای خودداری کنند؟ (شایان یادآوری است که بودجه های سرانه دولتی برای امور مدرسه نیز با این کمک های مردمی مخلوط است).

ج - در فرض مذکور اگر بدانند مقداری جبری گرفته شده، استفاده جایز نیست، و اگر مقدار جبری هم جزء همه پول هاست و با آنها مخلوط شده است، استفاده از آنها برای کسانی که عالم به غضب می باشند، حرام است. ۷۶/۵/۲۱

﴿س ۴۵﴾ گاهی اوقات برای اردوی دانش آموزی، در آغاز برای هزینه سفر، مبالغی از دانش آموزان دریافت می شود که در پایان اردو، مبلغی اضافه می آید، آیا مسئولین اردو اجازه دارند از این پول برای امور دبیرستان هزینه کنند و یا به عنوان حق الزحمه برای خود اختصاص دهند. ج - مجاز نیستند و تصرف در اموال دیگران، منوط به رضایت آنهاست. ۷۵/۴/۸

﴿س ۴۶﴾ آیا برای مسئولین مدارس جایز است که فطریه کسانی را که مایل هستند، جمع آوری نموده و به خانواده های دانش آموزانی که شرعاً مستحق هستند برسانند؟

ج - موارد مصرف زکات در رساله عملیه آمده است، اما باید مردم را ترغیب نماییم که در زکات فطره، خویشان مستمند خود را بر همسایه مستمند، و همسایه مستمند را بر دیگر مستمندان، مقدم بدانند. ۸۶/۹/۳

﴿س ۴۷﴾ از محلّ درآمدهای متفرّقه از قبیل سود فروشگاه تعاونی مدارس، کمک افراد خیر به آموزش و پرورش و... هزینه‌هایی برای برگزاری مراسم جشن و تهیّه جوایز برداشت می‌شود. این مسأله چه حکمی دارد؟

ج - سود تعاونی تابع مقرّرات و قرارداد تعاونی است. و در امور خیریه، تابع نظر دهندگان وجوه. ۷۲/۲/۱۱

﴿س ۴۸﴾ اموالی که تحت عنوان هدیه از طرف اداره آموزش و پرورش به مدارس داده می‌شود، در صورتی که گیرنده اموال، آنها را در یک مدرسه گرفته و قبل از مصرف، به مدرسه دیگر منتقل شده باشد، آیا می‌تواند در این مدرسه آنها را خرج کند؟

ج - هدیه دولت تابع مقرّرات است، و هدیه‌های غیر دولتی تابع نظر هدیه کننده است. و تخلف از مقرّرات و نظر هدیه کننده، هر چند از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر باشد، جایز نیست. ۷۴/۷/۴

#### مدیران و رعایت شئون اخلاقی متقابل

﴿س ۴۹﴾ آیا در مراکز فرهنگی، کسی می‌تواند به دیگری توهین کند و در جواب تذکر و اعتراض توهین شونده، او را مورد ضرب و شتم قرار دهد؟

ج - توهین و اذیت کردن به افراد، چه کوچک و چه بزرگ و چه در مراکز فرهنگی و غیر آن، حرام و غیر جایز است و در حرمت توهین، فرق نمی‌کند، کوچک باشد یا بزرگ،

همچنانکه تنبیه بدنی، علاوه بر آنکه حرام است، اگر موجب تغییر حالت در بدن گردد، باعث دیه هم می شود.

#### مسائل متفرقه مدیران

﴿س ۵۰﴾ اگر مدیر مدرسه گزارش غیبت آموزگاری را ندهد و به او بگوید من گزارش نمی کنم، اما مسئولیت شرعی آن به گردن خودت باشد، آیا با این بیان، از مدیر سلب مسئولیت می شود یا خیر؟

ج - تابع قانون و مقررات است و اگر طبق قانون، جزء وظایف مدیر باشد، از مدیر سلب مسئولیت نمی شود.

﴿س ۵۱﴾ آیا مدیران و مسئولین، هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا آتش زدن آنها باید اطمینان حاصل کنند که نام های خداوند و اسامی معصومین علیهم السلام در آنها نباشد؟ و آیا دور انداختن اوراقی که یک طرف آنها چیزی نوشته نشده است، اسراف نیست؟

ج - اگر آیات قرآنی یا اسماء جلاله دارد، سوزاندن آنها جایز نیست، و اگر خواسته باشند از هتک حرمت جلوگیری شود، باید آن اوراق را دفن کنند و در آب انداختن هم مانعی ندارد، بلکه ممدوح است. ۸۶/۹/۳

﴿س ۵۲﴾ آیا مدیران مدارس می توانند برای شرکت تعداد بیشتری از دانش آموزان در نماز جماعت - مثلاً شرکت دانش آموزان دو شیفت در نماز، یکی دو ساعت اقامه نماز را به تأخیر بیندازند؟

ج - مانعی ندارد. ۸۶/۹/۴

## فصل چهارم

### احکام و مسائل دانش‌آموزان و دانشجویان

#### مسائل بلوغ، تکلیف و رشد

﴿س ۵۳﴾ نظر مبارک حضرت عالی در خصوص سنّ تکلیف چیست؟

ج - شرط بلوغ برای پسران با نبودن سایر شرایط (رویدن موی درشت زیر شکم و بالای عورت، و یا بیرون آمدن منی) تمام شدن پانزده سال قمری است. و شرایط بلوغ برای دختران با نبودن سایر شرایط (رویدن موی درشت بالای عورت یا عادت زنانه و بیرون آمدن منی -) هر چند گفته می‌شود که منی از زن خارج نمی‌شود - تمام شدن سیزده سال قمری است.

۷۶/۲/۸

﴿س ۵۴﴾ اگر کسی به پانزده سال قمری نرسیده باشد، ولی مثلاً شرایط

دیگر - نظیر رویش موی زیر بغل - را داشته باشد، آیا مکلف است؟ اگر چنین باشد، من که تازه این موضوع را فهمیده‌ام، باید نماز و روزه‌هایی که

بر من واجب بوده، قضا کنیم؟

ج - شرط بلوغ برای پسران با نبودن سایر شرایط (که عبارتند از: روییدن موی درشت زیر شکم و بالای عورت، و یا بیرون آمدن منی) پانزده سال قمری است، لیکن در مورد قضای نماز و روزه، کسی که بالغ شده است، در صورت داشتن علم و قدرت، باید کفاره روزه‌ها را بدهد و نمازها را قضا نماید؛ اما در صورت ندانستن یا عدم قدرت بر ادای کفاره، استغفار نماید و روزه‌ها را قضا و کفاره تأخیر را هم، که عبارت از یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم و نان و امثال آنها) است، برای هر روز بپردازد. ۷۶/۲/۸

﴿س ۵۵﴾ در احکام وضعی و تکلیفی، چه رابطه‌ای می‌تواند بین بلوغ و رشد وجود داشته باشد؟ در صورت وجود رابطه، به تفکیک بیان فرمایید.

ج - واجبات، گناهان و مجازات آنها، تابع تکلیف و بلوغ است، ولی نفوذ عقود و ایقاعات و تصرفات مالی و جانی، تابع رشد است. و ناگفته نماند که بلوغ و رشد در برخی از افراد، هم زمان با هم به وجود می‌آید و در برخی دیگر با تقدّم و تأخر زمانی حاصل می‌شود. ۸۸/۲/۲۰

﴿س ۵۶﴾ حدّ بلوغ و حدّ رشد چیست؟

ج - رشد، غیر از بلوغ است؛ لیکن رشید، کسی است که بتواند مصلحت خود را تشخیص دهد و علایم رشد نسبت به موارد، مختلف است؛ مثلاً فردی که اموال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند رشید نیست و اگر گفته

می شود دختر رشیده باشد، یعنی مسائل زندگی را درک کند و تا حدّی هم بفهمد که با چه مردی و با چه خصوصیتی باید ازدواج کرد و زندگی نمود؛ همین اندازه، رشدش محقق شده است و بین بلوغ و رشد، رابطه‌ای نیست. هر یک ممکن است از دیگری جدا باشد و حکم به رشد، حکم به بلوغ نیست؛ مگر آنکه بلوغ، مسلّم باشد. ۷۹/۸/۱۷

﴿س ۵۷﴾ در رساله توضیح المسائل می فرمایید: «دختر در سیزده سالگی به تکلیف می رسد». آیا این سن، سن تکلیف برای تمام احکام، مانند نماز و حجاب است، یا فقط برای روزه؟

ج - در تمام احکام مکلف است و اختصاص به روزه ندارد. ۷۴/۵/۲۴

﴿س ۵۸﴾ سنّ بلوغ دختران را سیزده سالگی بیان فرموده‌اید. آیا رعایت حجاب و انجام فرایض نیز از همین سن برای دخترانی که از حضرت عالی تقلید می کنند، واجب است؟

ج - آری، بین فرایض و غیر آن فرقی نیست؛ ولی در مسأله حجاب، خصوصیت عفت و حیای اجتماعی و مقرّرات آنها، مسأله‌ای خاص و با اهمیت است که برای دختران غیر بالغ هم رعایتش لازم است. ۷۸/۷/۲

#### احکام نماز و مسجد

﴿س ۵۹﴾ آیا کاهل نمازی فرزندان در یک خانواده، باعث تنگی زندگی و رزق و روزی برای پدر و مادر است یا خیر؟



ج - باعث تنگی در زندگی خود فرزندان است، نه برای پدران و مادران، «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

۷۷/۵/۲۳

﴿س ۶۰﴾ کسی که می داند (یا احتمال قوی می دهد) که به جهت شب نشینی، مطالعه و یا... نماز صبح او قضا می شود، آیا شرعاً مجاز است که کارهای فوق الذکر را انجام دهد؟

ج - بیدار ماندن در شب، برای کسی که می داند و مطمئن است که نماز صبح او قضا می شود، ممنوع و ترکش لازم است، و با فرض قضا شدن نماز، معصیت کرده و عمل او در حکم ترک عمدی واجب است. و ناگفته نماند که توجه دادن افراد به چنین یقینی (مانند توجه دادن به موضوعاتی که جنبه حقّ الله دارد) غیر واجب، بلکه نسبت به امور راجحه (مانند عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یا مطالعه کتب دینی و اسلامی) نامطلوب است، اگر نگوئیم مذموم است. ۷۴/۶/۲۴

﴿س ۶۱﴾ پسری تازه به سنّ تکلیف رسیده و مقید به نماز است، اما خوابش بسیار سنگین است؛ به طوری که برای نماز صبح، گاهی یک ربع ساعت باید او را صدا کرد تا بیدار شود. آیا وظیفه پدر این است که به هر صورت ایشان را بیدار کند، یا چند بار صدا کردن کفایت می کند؟

ج - اگر خودش گفته که مرا بیدار کنید، باید بیدارش کنند؛ وگرنه، با عنایت به اینکه خود مقید به نماز است و مسامحه در آن نمی کند، ظاهراً وجهی برای لزوم بیدار نمودن وجود ندارد. آری، بر انسانی که مطمئن است نمازش قضا می شود،

لازم است که از دیگران بخواهد او را بیدار کنند، تا از ادای واجب - آن هم واجبی مثل نماز و درک وقت آن - محروم نماند.  
 ۷۵/۲/۳

﴿س ۶۲﴾ بنده به عنوان یک دانش آموز باید شش ساعت درس بخوانم و به هنگام ظهر هم باید فریضه نماز را به جا آورم. هم زمان بودن وقت کلاس با وقت نماز باعث شده که وقت کلاس، کم و صرف نماز شود. آیا این عمل برای به جا آوردن نماز جایز است یا خیر؟

ج - باید توجه داشت که مرز میان اسلام و کفر نماز است، و اگر آن هم با وساوس شیطانی - نغوذ بالله - ترک شود، چه نشانه‌ای از اسلام در انسان باقی می‌ماند. و چگونه انسان در مقابل این همه نعمت‌های خداوند خجلت زده و شرمسار نباشد. باید توجه داشت که هم درس خواندن و هم نماز خواندن وظیفه ماست. و برکت در عمر، موفقیت در درس خواندن و غیره، مربوط به ذات باری تعالی است. چه بسا انسان‌هایی که با وقت کم استفاده‌ها و افاده‌های علمی داشته‌اند. و برعکس، چه بسا افرادی که با وجود وقت زیاد، به خاطر عدم تعهد به واجبات، ضرر و زیان دیده‌اند؛ برای مثال شهید مطهری با آنکه عمر مبارکش از پنجاه و دو سال تجاوز نمود، این همه برکت داشته است. بنابراین، نماز را بخوانید و از خداوند استمداد بجویید و بدانید که نماز اول وقت، رضوان الله (باعث رضایت خداوند)، و نماز آخر وقت، غفران الله (سبب آمرزش) است.  
 ۷۵/۲/۳

﴿س ۶۳﴾ اگر بخواهیم فرضاً در مدرسه وضویمان را بگیریم و برای خواندن نماز به جای دیگر برویم، می‌توانیم با این وضو نماز بخوانیم یا خیر؟

ج - وضو گرفتن در مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آب آن را برای همه وقف کرده‌اند یا برای محصلان همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد؛ و اگر مردم وضو نمی‌گیرند، نمی‌تواند با آن آب، وضو بگیرد و نماز را در جای دیگر بخواند، مگر یقین داشته باشد که وقف عام است. ۷۹/۷/۱۴

﴿س ۶۴﴾ اگر کسی در مدارس و یا ادارات دولتی وضو بگیرد و با این وضو به مسجد و یا خانه برود و نماز بخواند، چه صورتی دارد؟

ج - جواز آن، مشکل است، هم از نظر مصرف آب و پول آن، و هم از نظر حصول یک گونه بی‌نظمی. و نمی‌توان گفت جایز است و حداقل، احتیاط واجب در ترک آن است. آری، اگر وضویی گرفت که جایز بود (مثل وضو برای نماز در آن محل)، تا آن وضو باقی است، جاهای دیگر هم می‌تواند با آن وضو نماز بخواند. ۷۷/۱/۲۲

﴿س ۶۵﴾ نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس که اغلب، وضعیت ملکی آنها مشخص نیست، چه صورتی دارد؟

ج - اگر چه نمی‌توان گفت نماز در آن مکان‌ها به دلیل «اصالة الصحه» و «قاعدة ید» باطل است؛ اما احتیاط در شبهات، مطلوب است. ۷۹/۱۰/۲۳

﴿س ۶۶﴾ آوردن میز تنیس به مسجد یا فضای مسجد، از قبیل حیاط، زیرزمین و... جهت انجام فعالیت‌های سالم فرهنگی - ورزشی، در کنار آموزش تعالیم دینی (آموزش قرآن، احکام و عقاید) چه حکمی دارد؟

ج - هرچند عمل و کار خیر در مسجد (به شرط اینکه مزاحم نمازگزاران نباشد) جایز است؛ لیکن لازم است در این گونه امور، رضایت امام جماعت مسجد جلب شود. ۷۴/۴/۲۹

﴿س ۶۷﴾ آیا پخش فیلم‌های آموزشی و غیر آموزشی (نظیر فیلم سینمایی) در مساجد جایز است؟ آیا از مساجد می‌توان جهت برپایی کلاس‌های تابستانی دانش‌آموزان استفاده کرد؟

ج - انجام هرکار خیری در مسجد (اگر مزاحم نماز و نمازگزاران نباشد) مانعی ندارد؛ لیکن رعایت جلب نظر و رضایت امام جماعت محل، لازم است. ۷۴/۴/۱۸

﴿س ۶۸﴾ آیا دانش‌آموزان دختری که حائض هستند، می‌توانند در مواقع ضروری، مثل مواقع امتحان که گاهی در مساجد برگزار می‌شود، به مدت طولانی در مسجدی توقف کنند؟

ج - اگر تنها راه شرکت در امتحان رفتن به داخل مسجد باشد، به حکم ضرورت، جایز است و باید به حدّ اقل از ضرورت، اکتفا شود. ۷۷/۴/۹

﴿س ۶۹﴾ چنانکه استحضار دارید خوابگاه‌های دانشجویی، منزل و محل استراحت دانشجویان است. با توجه به اینکه سیستم آمپلی فایر جهت پیام‌رسانی دانشجویان وجود دارد، عده‌ای از ساکنین، پخش اذان را در سه نوبت واجب می‌دانند، و تعدادی دیگر - به خصوص دختران - عذر

داشته و تقاضای عدم پخش، به ویژه در صبح را دارند. لذا از آنجا که اذان یومیه از بلندگوهای مسجد نیز پخش می‌شود، نظر حضرت عالی چیست؟

ج - به طور کلی آنچه از اذان در هر جایی به خاطر اظهار شعایر اسلامی باید گفته شود، همان مقدار است که برداشت نشود که در آن محلّ افراد نمی‌توانند اذان بگویند و این شعار اسلامی بین آنها تحقق پیدا نمی‌کند. بیش از آن (مخصوصاً با فرض عدم رضایت و اذیت برخی از افراد آن محلّ که صدای اذان به گوششان می‌رسد) نه تنها مطلوب نیست، بلکه نامطلوب و مذموم است و با کار نادرست، عبادت محقق نمی‌شود و اگر به صورت اذیت جدّی درآید، حرام هم می‌باشد. این بود حکم کلی مسأله و نسبت به مورد سؤال، تشخیص خود افراد مهّم است؛ یعنی می‌توان همان یک اذان را که در مساجد و اماکن عمومی گفته می‌شود کافی دانست و زیاده بر آن را که غیر لازم تشخیص داده می‌شود ترک نمود، که مطابق احتیاط هم هست. به هر حال آنچه در اسلام مهّم است، حفظ اصلی شعایر و اذیت نشدن مردم است.

۸۲/۴/۱۸

﴿س ۷۰﴾ چنانچه پدری فرزند خود را بدون دلیل، از رفتن به مسجدی خاص جهت اقامه جماعت و فعالیت‌های فرهنگی منع کند و حتی اعلام عدم رضایت کند و در مقابل، او را به رفتن مسجد یا مساجد دیگر دعوت نماید، تکلیف فرزند چیست؟ و نماز او چه حکمی دارد؟

ج - اطاعت، لزوم اخلاقی دارد نه شرعی. و قدر متیقن از ادله حرمت، ایذای آنهاست نه اطاعت مطلقه. آری، احسان مطلوب است و باید توجه داشت که پدران و مادران، همانند بزرگسالان دیگر، غالباً تجربه زیادتری در مسائل اجتماعی دارند و لذا باید از تجربه‌هایی که آنها در اختیار انسان می‌گذارند، استفاده نمود و تجربه‌هایشان را مورد کسر و انکسار قرار داد و احسن آن را انتخاب نمود.

۸۶/۶/۲۷

﴿س ۷۱﴾ آیا برای شرکت فرزند (دختر یا پسر) در نماز و کارهای مستحبی و نیز شرکت در مراسم شعایر اسلامی، رضایت والدین شرط است یا نه؟

ج - اعمال مستحبی اولاد، اگر سبب اذیت پدر و مادر یا جدّ شود، جایز نیست؛ بلکه اگر سبب اذیت آنان نشود، ولی او را از گرفتن مثل روزه مستحبی منع کنند، احتیاط مستحب آن است که روزه نگیرند.

۸۶/۶/۲۶

﴿س ۷۲﴾ ایستادن دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در صف جماعت، چه حکمی دارد؟

ج - اگر ممیّز باشند، نمازشان محکوم به صحّت است.

۷۴/۷/۴

﴿س ۷۳﴾ آیا می‌توان دانش‌آموزان را مجبور به شرکت در نماز جماعت کرد؟

ج - کسی نمی‌تواند با قوه قهریه، نمازی را که عبادت است

به دیگران تحمیل کند؛ چون در عبادت قصد قربت معتبر است.  
۸۶/۹/۳

﴿س ۷۴﴾ در مدارس نماز جماعت برگزار می‌شود، ولی بعضی از دانش آموزان وضو نمی‌گیرند، آیا نماز بقیه ایرادی دارد؟

ج - بر فرض اینکه نمی‌دانند کدام یک وضو نگرفته‌اند و یقین به عدم اتصال صفوف از این جهت نمی‌باشد، نماز بقیه صحیح است.  
۸۶/۹/۵

﴿س ۷۵﴾ آیا کسانی که همیشه باید هفته‌ای یک بار یا بیشتر یا کمتر به جایی که بیش از هشت فرسخ است مسافرت کنند (مانند محصل و معلم و سبزی کار و باغدار و میوه فروش، که مسافرت، لازمه شغل آنان است) نسبت به نماز و روزه، مانند کسانی هستند که سفر، شغل آنهاست و وظیفه‌شان تمام است؟ یا باید مثل دیگر مسافران، نماز را شکسته بخوانند و روزه نگیرند؟ بنا بر صورت اول، اگر اتفاقاً ده روز در وطن یا جای دیگر ماندند، تکلیفشان چیست؟

ج - یکی از مناطها و معیارهای تمام بودن نماز و صحت روزه در سفر، زیادی سفر و کثرت آن است و این معنا این گونه محقق می‌شود که انسان بنا داشته باشد برای مدتی نسبتاً طولانی، حداقل قبل از ده روز یک مسافرت کند، و در این جهت، فرقی بین سفر شغلی و غیر شغلی نیست و بر فرض اینکه اتفاقاً بیش از ده روز در یک محلی بمانند، در سفر اول نمازشان شکسته و در سفرهای بعدی تمام است.  
۷۸/۱۲/۲

## احکام روزه

﴿س ۷۶﴾ آیا اگر پسر یا دختر بالغ، توان روزه گرفتن را نداشته باشد یا اگر روزه بگیرد مانع تحصیلات او بشود، روزه از او ساقط می‌گردد یا خیر؟  
 ج - اگر توان روزه گرفتن را ندارد، ساقط می‌شود. بعداً اگر توان پیدا کرد باید قضا نماید؛ اما تحصیلات، مُسقط روزه نیست.  
 ۸۲/۳/۲۰

﴿س ۷۷﴾ در زمان تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به علت ضعف، عدم آشنایی با مسائل و احکام و اینکه در صورت گرفتن روزه، درس خواندن و موفقیت در امتحانات برایم میسر نبود، از روزه گرفتن خودداری کردم و قضای آن را نیز به جا نیاوردم. اینک بعد از حدود ده سال، درصدد جبران روزه‌های قضا شده (که حدود پانزده سال می‌شود) هستم. لطفاً بفرمایید (با توجه به عدم قدرت و توانایی مالی) چگونه باید قضا و کفاره روزه‌ها را بگیرم؟

ج - قضای همه روزه‌ها قطعاً بر شما واجب است و باید به تدریج در ایام سال بگیرید، و به خاطر تأخیر در قضا، باید یک مد طعام هم (که تقریباً ۷۵۰ گرم نان یا گندم و امثال آنها است) به فقیر کفاره بدهید و دادن پول آن به فقیر کفایت نمی‌کند، مگر آنکه وکیل در خرید باشد، و اطمینان داشته باشید که با آن پول، نان می‌خرد؛ لیکن احتیاط آن است که در صورت توان، کفاره افطار عمدی را هم بپردازید (یعنی برای هر روز شصت فقیر را غذا بدهید) اما چون قدرت



ندارید، ساقط است؛ لیکن هرگاه و بی‌گاه چند نفر فقیر را نهار یا شام بدهید یا به هر فقیر ۷۵۰ گرم گندم بدهید، ولی آنچه که مسلم است، همان دو امر قبلی است. ۶۹/۵/۲۴

﴿س ۷۸﴾ زکات فطره دانشجویان داخل و خارج کشور، که در دانشگاهها تغذیه می‌شوند، بر عهده خودشان است یا دانشگاه؟

ج - بر عهده دولت نیست، و اگر خودشان توان پرداخت را دارند و پول غذا را می‌دهند، باید زکات خود را بپردازند و اگر به آنان می‌دهند، به طوری که نان خور دولت محسوب می‌شوند، بنا بر احتیاط بازهم زکات فطره بر عهده خود آنهاست، هرچند عدم تعلق به خود آنان هم، خالی از وجه نیست. ۸۶/۹/۵

﴿س ۷۹﴾ آیا اعتکاف در مکانی غیر از مساجد، مثل نمازخانه دانشگاهها، رجائاً اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحت، احکام اعتکاف، از قبیل محرّمات اعتکاف بر آنها جاری می‌شود یا خیر؟

ج - جایز نیست و رجائاً تنها در مساجد جامع جایز است، نه مساجد محل و امکانه معینه دیگر. ۸۲/۵/۸

﴿س ۸۰﴾ در هر سال، جمع کثیری از دانشجویان غیر بومی، وارد دانشگاه مشهد می‌شوند. برخی از آنان از شهرهای دیگر استان خراسان هستند که معمولاً هر هفته به وطن خود برمی‌گردند و فاصله محل تحصیل تا وطن آنها هم بیش از مسافت شرعی است، و در دوران تحصیل، این رفت و آمد هر هفته ادامه دارد. تکلیف نماز و روزه آنان چگونه است؟ به نظر حضرت عالی، آیا وظیفه کسی که شغل او سفر است، با کسی که شغل او در

سفر است، فرق می‌کند؟

ج - یکی از مناطها و معیارهای تمام بودن نماز و صحّت روزه در سفر، زیادی سفر و کثرت آن است. و این معنا، در صورتی محقق می‌شود که انسان بنا داشته باشد برای مدّتی نسبتاً طولانی، حدّ اقل قبل از ده روز، یک مسافرت شرعی داشته باشد. و در این جهت فرقی بین سفر شغلی و غیر شغلی نیست. بنابراین، دانشجویان عزیز مشهدی و دیگران، چون هر هفته در طول مسافرت شرعی مسافرت می‌کنند، نمازشان تمام است. ۷۴/۹/۳۰

﴿س ۸۱﴾ دانشجویانی که هر هفته حدّ اقل دو روز برای تحصیل مسافرت می‌کنند، نماز و روزه‌شان چگونه است؟ با توجه به اینکه آنها هر هفته مسافرت می‌نمایند، ولی امکان دارد به خاطر تعطیلی دانشگاه یا کارشان، به مدت یک ماه در وطن اصلی خود بمانند و در خلال آن مدّت مسافرتی نمی‌کنند، آیا بعد از گذشت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می‌کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده، شکسته و بعد از آن تمام است؟

ج - کثیرالسفر، کسی است که زیاد مسافرت می‌کند؛ به گونه‌ای که حدّ اقل قبل از ده روز، یک مسافرت شرعی داشته باشد. که در تمام مسافرتها اعم از تحصیلی و غیر آن نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است. آری، اگر اتفاقاً ده روز در جایی بماند، در سفر اول، نماز او شکسته و سفر دوم، تمام است. ۸۶/۹/۵

﴿س ۸۲﴾ دانشجویی خانه‌ای را در شهر تبریز برای تحصیل در

دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است؛ همچنین وی در صورت امکان، قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد. در حال حاضر در ایام ماه مبارک رمضان گاهی به وطن اصلی اش رفت و آمد می‌کند. آیا آن دو مکان، برای او دو وطن محسوب می‌شوند؟

ج - هر جایی که انسان بنا دارد برای مدتی در آن بماند، در حکم وطن است و همه آثار وطن بر او بار می‌شود. بنابراین، روحانیون حوزه علمیه، دانشجویان، کارمندان و غیر آنان، هرگاه بنا باشد در مکانی برای تحصیل یا مأموریت بمانند، برای تمام خواندن نماز و گرفتن روزه، نیازی به قصد اقامت ندارند؛ زیرا مسافرت مضّر به آن نیست. در وطن اصلی نیز اگر عملاً اعراض نکرده است، نمازش تمام و روزه اش صحیح است.

۸۶/۹/۵

#### احکام زکات و خمس

﴿س ۸۳﴾ کسی را می‌شناسم که کارمند و دارای چندین سرعائلة است و به زحمت، امرار معاش می‌کند و فرزند دانش‌آموزی دارد که نمی‌تواند به نحو شایسته، به وی رسیدگی کند. با توجه به نیاز او از قبیل پول توجیبی و لباس مناسب یک جوان و... سؤال این است که آیا بنده می‌توانم زکات خود را به دانش‌آموز مذکور بدهم؟

ج - استحقاق در باب زکات و فقر معتبر در مستحقان آن، به معنای عدم قدرت بر اداره زندگی در حد متعارف است. بنابراین، می‌توان به امثال مورد سؤال، زکات

۷۸/۲/۸

پرداخت نمود.

﴿س ۸۴﴾ آیا استفاده از وجوهات حاصل از زکات برای برگزاری مسابقات قرآن و نشر فرهنگ قرآنی در بین دانش آموزان، جایز است یا خیر؟

ج - زکات را می توان در مطلق امور خیریه عام المنفعه، مصرف نمود و تعلیم قرآن و بیان معارف آن، جزو همان موارد است؛ لیکن به شرط آنکه دهنده زکات، خود با قصد قربت و بدون شائبه حیا و رودربایستی (چه رسد به اکراه و اجبار) بخواهد در آن راه مصرف نماید؛ وگرنه زکات محسوب نمی شود، بلکه گرفتن هم غیر جایز است. ۷۸/۸/۲۹

﴿س ۸۵﴾ آیا فرد می تواند زکات فطره یا زکات مال خود را برای فرزندان خود که مشغول تحصیل هستند صرف نماید؟

ج - اگر فرزندان او به کتاب های علمی و دینی و امثال آن نیاز دارند، پدر می تواند برای خرید به آنها زکات بدهد. ۷۹/۷/۹

﴿س ۸۶﴾ دانش آموزی پدرش فوت کرده است. ماهیانه ای را که از مادرش می گرفته جمع آوری نموده و به مبلغ هفتصد هزار تومان رسیده است. آن را به برادرش قرض داده و یک سال گذشته و قرار است پس از مدتی آن پول را دوباره به خودش برگردانند. آیا این پول خمس دارد؟

ج - به خاطر بخشش بودن و به خاطر قناعت نمودن، متعلق خمس نمی باشد. ۸۶/۹/۵

﴿س ۸۷﴾ اگر سال خمسی کسی، مثلاً پایان شهریور باشد، آیا

لوازم التحریری که برای سال تحصیلی فرزندانش خریداری کرده، خمس دارد؟

ج - جزو هزینه‌های زندگی است و خمس ندارد؛ به علاوه ظاهراً هبه به فرزند است.

۷۴/۷/۱۱

﴿س ۸۸﴾ آیا به کتاب‌هایی که انسان می‌خواهد در آینده از آنها استفاده نماید و فعلاً مورد نیازش نیست و مطمئن است که نمی‌تواند آنها را بعداً یکجا تهیه کند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - متعلق خمس نیستند و جزو مئونه یا در حکم مئونه‌اند.

۷۸/۹/۶

﴿س ۸۹﴾ آیا انسان می‌تواند از خمس، جهت خرید کتب مذهبی، به برادرش بپردازد؟

ج - مصرف کردن خمس و تصرف در آن، بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرائط، جایز نمی‌باشد و موجب ابراء ذمه نیست.

۷۰/۳/۶

﴿س ۹۰﴾ آیا می‌توان پول یا جنسی را که مختص به زکات و خمس مال است و باید به مجتهد بدهیم، شخصاً برای ساخت و تجهیز مدارس و... صرف نماییم.

ج - زکات را می‌توان در امور ذکر شده مصرف نمود، اما هرگونه تصرف در خمس نیاز به اجازه از مرجع تقلید دارد.

۷۷/۸/۱۵

﴿س ۹۱﴾ نظر به موقعیت کنونی کشور از حیث تهاجم فرهنگی همه جانبه کفر جهانی، صرف وجوهات شرعی صدقات و نذورات در امور

فرهنگی، علی‌الخصوص تعلیم و تبلیغ قرآن، از نظر معظم له چه حکمی دارد؟

ج - مصرف نمودن وجوهات شرعی بدون اجازه مجتهد جامع الشرائط، جایز نمی‌باشد و موجب ابراء ذمه نیست؛ لیکن در مورد نذورات، اگر برای جهت معینی نباشد، در هر کار خیری می‌توان مصرف نمود. ۷۸/۲/۴

﴿س ۹۲﴾ این جانب در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارم و هر شش ماه، از طرف وزارت علوم مبلغی به عنوان مقرری ارزی به حسابم واریز می‌شود. این مقرری در مقابل تعهدی است که به وزارتخانه مربوطه داده‌ام تا پس از فراغت از تحصیل، دو برابر مدت تحصیل در اختیار آنها باشم؛ آیا مبلغ اضافی این پول خمس دارد؟

ج - آنچه که به عنوان ارز به حساب شما واریز می‌شود، اگر به عنوان وام تحصیلی باشد، فعلاً خمس ندارد؛ ولی اگر به عنوان بورسیه باشد، مازاد بر مئونه خمس دارد. ۷۰/۱۲/۳

﴿س ۹۳﴾ آیا کتاب‌هایی که دانشجوی از مال پدر خود یا از وامی که از دانشگاه گرفته می‌خرد و منبع درآمدی هم ندارد، خمس دارد؟ در صورتی که بداند پدر خمس پول کتاب‌ها را نداده، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

ج - متعلق خمس نیست، اما اگر یقین داشته باشد پولی را که پدر به او داده متعلق خمس بوده، باید خمس آن را بپردازد؛ اما معمولاً چنین یقینی حاصل نمی‌شود و بر فرض شک هم، تصرف مانعی ندارد. ۸۶/۹/۵

احکام و مسائل دانش‌آموزان و دانشجویان ● ۵۵

﴿س ۹۴﴾ آیا به پولی که دانشجویان برای خرید کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تهران قبل از تحویل آن پرداخت می‌نمایند ولی هنوز کتاب‌ها ارسال نشده است، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - در فرض مذکور، متعلق خمس نیست. ۸۶/۹/۴

﴿س ۹۵﴾ بسیاری از دانشجویان برای حل مشکلات غیر قابل پیش‌بینی خود، در هزینه‌های زندگی صرفه‌جویی می‌کنند و در نتیجه مبلغ قابل توجهی از کمک هزینه تحصیلی که به آنها پرداخت می‌گردد، جمع می‌شود. آیا به این پس‌انداز، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر به واسطه قناعت کردن و سخت‌گیری، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، ادای خمس آن واجب نیست و از مئونه محسوب می‌گردد. هرچند احتیاط مستحب در ادای آن است. ۷۷/۷/۶

﴿س ۹۶﴾ آیا پول حاصل از کار دانشجویی دانشجو، مشمول حکم خمس می‌باشد؟

ج - اگر مازاد بر مئونه سال باشد، متعلق خمس می‌باشد. ۸۲/۹/۲۷

#### احکام حجاب، پوشش و آرایش

﴿س ۹۷﴾ اگر مدرسه‌ای ابلاغ کند که دختران در مدرسه دخترانه باید برای ورزش، لباس مخصوص ورزش بپوشند، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج - این گونه امور تابع قوانین و مقررات، که با رعایت همه جوانب شرعی و تربیتی به تصویب رسیده می‌باشد. ۸۶/۹/۲۷

﴿س ۹۸﴾ پوشیدن لباس مردانه برای دختران دانش‌آموز در نمایش‌هایی که در مدارس انجام می‌گیرد و به وسیلهٔ گریم، خود را به صورت مرد در می‌آورند، چه حکمی دارد؟

ج - در فیلم‌ها و نمایش‌ها، که موقت است و دارای غرض عقلایی باشد، مانعی ندارد.  
۷۵/۷/۲۷

﴿س ۹۹﴾ آیا استفاده از البسه‌ای که مروج فرهنگ منحط غربی است، جزو موارد منکر محسوب می‌گردد؟

ج - نه تنها منکر، بلکه زمینهٔ فساد فرهنگی است. ۶۹/۲/۲۴

﴿س ۱۰۰﴾ آیا استفاده از رنگ‌های جذاب و خیره‌کننده برای لباس (توسط خواهران) جزو منکرات محسوب می‌شود؟

ج - منکر بودن به تحریک کردن و جذب نظر جوانان و اجنبی بستگی دارد که زمینهٔ آلوده شدن آنان را به گناه فراهم می‌کند؛ بنابراین، رنگ‌ها، زن‌ها، مردها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف، باعث اختلاف در منکر بودن آن می‌شود؛ یعنی ممکن است لباس زنی در جایی تحریک‌کننده نباشد و برای زن دیگری، تحت شرایط دیگر، تحریک‌کننده باشد.  
۶۹/۲/۲۴

﴿س ۱۰۱﴾ پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟

ج - از کارهایی که باعث ضربه زدن به حیای عمومی است و گویای عدم شخصیت انسان است، اجتناب لازم است.  
۷۱/۹/۱۸

﴿س ۱۰۲﴾ اخیراً در میان برخی از جوانان، استفاده از مدل مو و



لباس‌هایی رایج شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه گرفته شده است. نظر به اینکه پوشیدن این لباس‌ها و خود این‌گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبّه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج - اگر ترویج فرهنگ معاندان و محاربان و دشمنان اسلام

باشد، حرام و غیر جایز است. ۷۴/۶/۱۶

﴿س ۱۰۳﴾ بعضی از افراد در جامعه با لباس‌هایی ظاهر می‌شوند که بسیار تنگ و زننده و دارای مدل غربی است، در حدّی که ران‌ها و باسن‌های آنان کاملاً نمایان است و در صورت امر به معروف و تذکر، اظهار می‌دارند که بر مرد، ستر عورتین واجب است نه سرین (باسن) و اگر مرد با این حال در ملاً عام ظاهر شود، هیچ حَرَجی بر او نیست. حتّی اگر برخی زن‌ها به حرام بیفتند. و در خصوص پوشیدن لباس‌های مدل غربی می‌گویند که تشبّه به کفار حرام است، امّا اگر در جامعه اسلامی گروهی آن لباس را بپوشند که گفته شود در جامعه وجود دارد، ولو در اقلیت باشند و اهل فسق باشند، پوشیدن آن، حرام نیست. خواهشمند است نظرتان را در این زمینه بیان فرمایید.

ج - هر لباس و مدی که موجب فساد در جامعه شود و افراد

را به گناه و معصیت بیندازد و توده جامعه و فرهنگ آنها را

تبدیل به فرهنگ گناه و معصیت نماید، حرام و اجتناب از

آن واجب است. و این حیثیت غیر از حیثیت پوشش بدن

برای مردان است که حسب حکم اوّل، غیر واجب است؛ به

علاوه که مسأله حیا و عفت عمومی هم مطرح است. و

ناگفته نماند که تشبّه به کفار حرام است، و این به خاطر تأثیر

تشبیه ظاهر در تشبیه فکری و از دست دادن هویت اسلامی و ملی و مفاسد زیادی است که بر آن بار می‌گردد. ۷۷/۱۰/۴

﴿س ۱۰۴﴾ بلند نگاه داشتن موی سر به شرط رعایت نظافت و آراستگی، برای مرد چه حکمی دارد؟

ج - این گونه عمل‌ها مانند بقیه اعمالی است که در شرع از آنها نهی نشده و با اباحه اولیه، باقی مانده است. آنچه باید در مورد این گونه عمل‌ها مورد عنایت قرار گیرد، عدم ترویج فرهنگ بیگانه و عدم انحراف و فساد و ابتذال جامعه است. ۷۷/۳/۲۳

﴿س ۱۰۵﴾ آیا افزون بر پوشیدن موی سر و بدن (به جز موارد استثنا) نامشخص کردن برآمدگی بدن - همانند سینه و ران - نیز بر زنان مسلمان واجب است؟

ج - فی حدّ نفسه، واجب نیست و آنچه بر زن‌ها واجب است، پوشاندن بدن (غیر از گردی صورت و دستها تا میچ و پاها تا میچ) است. آری، ایجاد فساد در جامعه از هر شخص و به هر نحوی، نادرست و ترک آن لازم است. ۸۸/۲/۲۰

﴿س ۱۰۶﴾ پوشیدن کفش‌هایی که صدای تهییج کننده دارد، برای خانم‌ها چه صورتی دارد؟ برای آقایان چطور؟

ج - حرمت و عدم حرمت، دایر مدار فساد و تهییج شهوت و عدم آن است. ۷۹/۷/۱۰

﴿س ۱۰۷﴾ پوشیدن جوراب نازک مشکی با شلوار به گونه‌ای که فقط بندهای انگشتان پا مشخص باشد، چه حکمی دارد؟

ج - بر زن واجب است که خود را از نامحرم بپوشاند و از پوشیدن جوراب‌های بدن‌نما در مقابل نامحرم هم باید اجتناب نماید؛ و پوشاندن گردی صورت و دست‌ها تا میچ، و پاها تا میچ واجب نمی‌باشد.  
۸۶/۲/۱۱

﴿س ۱۰۸﴾ موهایی در قسمت پیشانی بعضی خانم‌ها رویده می‌شود و دنباله موهای سر است و پوشاندن آنها مشکل است. آیا مشخص بودن این موها اشکال دارد و حکم موی سر را دارند؟

ج - چون ظاهراً جزء صورت است، مانعی ندارد و پوشاندنش مخصوصاً با زحمت، معلوم نیست که لازم باشد. به هر حال، اسلام دین سهولت است.  
۷۸/۴/۲۵

﴿س ۱۰۹﴾ آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر طلا در دست داشتن و حنای دست، جزء زینت زنان محسوب می‌گردد که پوشش آن لازم است؟

ج - صورت و دست، محل زینت محسوب نمی‌گردد؛ ولی آرایش نمودن و خود را در دید مردان بیگانه قرار دادن که موجب فساد در جامعه گردد، حرام است.  
۷۳/۱۰/۲۰

﴿س ۱۱۰﴾ آرایش کردن بانوان در بیرون از خانه یا در سرکار و درس، چه حکمی دارد؟

ج - حرمت و عدم حرمت، دایر مدار فساد و عدم آن است.  
۷۳/۱۲/۲۸

﴿س ۱۱۱﴾ ابرو برداشتن که در میان بانوان مرسوم است، چه حکمی دارد و آیا پوشاندن آن الزامی است؟

ج - آرایش زن برای شوهر خود، مانعی ندارد، و پوشاندن صورت بیش از اندازه گردی آن، لازم نیست؛ مگر آنکه احتمال دهد منشأ فساد و موجب تهییج شهوت گردد.  
۸۶/۲/۱۱

﴿س ۱۱۲﴾ آیا بلند گذاشتن ناخن برای دختر یا زن اشکال شرعی دارد؟  
ج - نه تنها فی حدّ نفسه مانعی ندارد، بلکه به عنوان زینت در اخبار آمده است.  
۷۹/۵/۲۵

﴿س ۱۱۳﴾ چه نوع آرایشی برای مرد مسلمان حرام است؟  
ج - هر نوع آرایشی که موجب فساد در جامعه گردد، حرام است.  
۸۱/۵/۳۱

﴿س ۱۱۴﴾ اگر مردی به قصد اینکه مورد توجه زنان نامحرم قرار گیرد، خود را آرایش کند، حکم این نوع آرایش کردن چیست؟  
ج - اگر منشأ فساد و موجب تهییج شهوت دیگران باشد، حرام است.  
۸۱/۵/۳۱

﴿س ۱۱۵﴾ در مورد آقایانی که ابروهای خود را به صورت خانم‌ها مرتب می‌کنند، حکم چیست؟

ج - آرایش کردن مرد به گونه‌ای که خود را به صورت زن درآورد و خود را زن بنمایاند، حرام است.  
۸۱/۳/۷

﴿س ۱۱۶﴾ حکم تاتو کردن ابرو - آرایشی که زنان بر روی ابرو انجام می‌دهند - چیست؟ آیا دیه دارد؟

ج - فی حدّ نفسه جایز است و دیه هم ندارد.  
۸۲/۱۰/۱۷

﴿س ۱۱۷﴾ خالکوبی بر بدن زنان به شیوه مینیاتوری به منظور زینت و

زیبایی که غالباً از نظر دیگران پوشیده است، چه حکمی دارد؟

ج - خالکوبی، فی حدّ نفسه مانعی ندارد و در بدن مکلف باید با رضایت او باشد. و اگر غیر مکلف است، باید برای او مصلحت داشته باشد و قیّمش اجازه بدهد. آری، اگر آرایش و زینت باشد و مطمئن است که نامحرم نگاه می‌کند و باعث تهییج شهوت می‌شود، حرام و گناه است.

س ۱۱۸ ﴿ حکم استفاده از عمل جراحی پلاستیک برای زیبایی

چیست؟

ج - این گونه عمل‌ها، فی حدّ نفسه مانعی ندارد. ۷۹/۷/۱۰

### احکام و مسائل مالی

س ۱۱۹ ﴿ نظر حضرت عالی درباره دانش‌آموزانی که در مدارس

مشغول به تحصیل می‌باشند و از هزینه‌های بیت‌المال استفاده کرده، اما درس نمی‌خوانند، چیست؟

ج - تابع قوانین و مقررات آموزشگاه می‌باشد. اما به هر صورت تضییع بیت‌المال به هر طریقی که باشد جایز نیست؛ ضمن اینکه با توجه به شرایط موجود و نیاز اسلام و مسلمین به تحصیل کرده‌های متدین، درس نخواندن، خلاف انصاف نیز هست.

س ۱۲۰ ﴿ وظیفه دانش‌آموزان در مورد حفظ اموال و ساختمان مدرسه

چیست؟ در صورت عدم رعایت در حفاظت، تکلیف چیست؟

ج - حفظ اموال و ساختمان‌های عمومی، مانند اموال و

املاک خصوصی بر همگان فرض و واجب است و اتلافش همانند افراط و تفریط، موجب ضمان است؛ همچنانکه جلوگیری از رسیدن ضرر و زیان و اتلاف آنها بر همگان، در حدّ قدرت و بدون اذیت و آزار نمودن واجب است و ضمان؛ حتی نسبت به غیر رشید هم در مال خودش که ولی و قیم باید پردازد، و اگر ندارد یا ولی و قیم نمی خواهد از مال او پردازد، خودش ضامن است و به هر حال، ولی باید خسارت را جبران کند؛ چون او دخیل است و بلکه به دلیل آوردن دانش آموز به مدرسه و مراکز عمومی، سبب است.

۷۶/۸/۱۷

﴿س ۱۲۱﴾ ماشین حسابی را از یک نفر قرض گرفته بودم و چون راهم دور بود نتوانستم آن را فوراً پس بدهم. شخص دیگری که نیاز به آن داشت آن را از من گرفت و نزد او گم شد و من هم نمی توانستم آن فرد را پیدا کنم. ضمناً قیمت آن هم نسبتاً بالا بود و خودش (شخص سوم) نیز اصرار داشت که ماشین را برایم تهیه کنید، ولی مثل آن در بازار موجود نبود. خواهشمندم حکم مسأله را بیان فرمایید.

ج - در صورتی که امین، در نگهداری از مال افراط و تفریط ننموده باشد، ضامن نیست؛ اما چنانچه مقصّر بوده، باید خسارت وارده را پردازد؛ به هر حال، در صورت شناختن صاحب مال، باید به او برگردانده شود و یا رضایت او جلب شود؛ در غیر این صورت، باید از طرف صاحبش به فقیر

صدقه داده شود. ۸۶/۹/۵

﴿س ۱۲۲﴾ شخصی مقداری پول برای امور خیریه قرار داده است. آیا می‌توان از این پول، برای تشویق دانش آموزان شرکت کننده در کلاس قرآن، کتاب خرید و به آنها اهدا نمود؟

ج - مانعی ندارد. ۸۶/۹/۵

﴿س ۱۲۳﴾ آیا دانشجویانی که در انجمن اسلامی دانشجویان فعالیت دارند، می‌توانند از امکاناتی که در آنجا وجود دارد و بعضاً با کمکهای دیگران تهیه شده استفاده شخصی کنند؟

ج - منوط به اجازه کسانی است که دست‌اندرکار و متولی امر هستند و آنها هم باید در هنگام گرفتن پول از افراد، انواع استفاده را به آنان گوشزد کنند. ۷۶/۱/۸

﴿س ۱۲۴﴾ چنانچه دانشجویان در هنگام کار یا آموزش سهواً باعث از بین رفتن یا ضرر به اموال بیمارستان شوند، آیا باید شخصاً هزینه آن را پرداخت کنند؟ (لازم به ذکر است چنانچه لازم باشد هزینه پرداخت شود، کار کردن این افراد خصوصاً با وسایل و یا داروهای حساس و گران‌قیمت مشکل خواهد شد، و چه بسا باعث شود که مسئولیت چنین کارهایی را نپذیرند).

ج - هرکس، اعم از استاد یا دانشجو، در هر رشته‌ای که در وظایف خود مسامحه و کوتاهی کرده باشد، ضمان متوجه اوست. ۷۷/۳/۵

﴿س ۱۲۵﴾ اگر اعتبار فیش‌های غذا که برای دریافت غذا به دانشجویان داده می‌شود در همان تاریخ معین باشد و بعد از آن باطل شود، آیا دانشجو

می‌تواند در روزهای دیگر با آن غذا بگیرد؟

ج - تابع قوانین و مقررات و نظر مسئولین مربوطه

۷۵/۳/۱۲

است.

#### احکام دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و معلولان جسمی

﴿س ۱۲۶﴾ اصولاً وظیفه والدین کودکان نابینا، ناشنوا یا کم‌توان ذهنی

در تعلیم احکام شرعی به آنان (با توجه به اینکه آموزش بعضی از احکام به

آنها مشقت دارد) چیست؟

ج - سؤالی را که خود آنها خواستار پاسخ بدان باشند، باید

به حکم لزوم تعلیم احکام برای نادانان، به آنها پاسخ داد و

در این جهت، تفاوتی بین پدر و مادر و دیگران نیست؛ اما

آنچه را که سؤال نموده‌اند که طبعاً از آن غافل هستند، چون

نسبت به آنها تکلیف ندارند، دیگران هم تکلیف تعلیم

ندارند. آری، مختصری از مسائل ساده علمی و عملی اسلام

را باید با بیان و زبان ساده به آنها یاد داد؛ مثل اینکه خدایی و

پیامبر و امامی هست و آن خداوند تکالیفی همانند نماز و

روزه را قرار داده است. و باید توجه داشت که آموزش باید

فوق‌العاده مختصر و ساده باشد که سؤال، کمتر به ذهن آنها

راه پیدا کند. ۷۹/۲/۳

﴿س ۱۲۷﴾ آیا سن تکلیف آن دسته از دانش‌آموزان استثنایی که کم‌توان

ذهنی هستند، بر اساس سن عقلی آنان محاسبه می‌شود؟ با توجه به اینکه

از لحاظ فکری و عقلی نسبت به مسائل و مفاهیم دینی با سایر افراد تفاوت



دارند، ملاک تشخیص برای اولیای آنان چیست؟ برای مثال، فرد کم‌توان ذهنی‌ای که از لحاظ سنی هفده ساله است، ولی از لحاظ عقلی ده یا دوازده ساله است، آیا شرعاً مکلف است؟

ج - تا خود آنان متوجه به مکلف شدن خود نشده‌اند و درک ننموده‌اند که در زمان معین و شرایط معین، از طرف خداوند، احکام و واجبات و محرّمات برای آنها قرار داده شده، مکلف نیستند؛ پس باید دقت کنند و پرسند که چه زمانی مکلف می‌شوند و تا آن هنگام چیزی بر آنان نیست؛ چون غافلند و بر غافل، مطلقاً تکلیف نیست. اما نسبت به دیگران، آنان هم تکلیفی ندارند؛ یعنی توجّه دادن کم‌توان‌های ذهنی به مسأله بلوغ و تکلیف، لازم نیست، بلکه مطلوب هم نیست؛ چون سبب زحمت، هم برای آنها و هم برای دیگران می‌شود. آری، باید از آن اعمالی که ضرر فاحش برای خود آنها و یا دیگران دارد - فرضاً خوردن مشروبات الکلی - جلوگیری نمود؛ چون این نحو جلوگیری‌ها، دایر مدار تکلیف عامل نمی‌باشد. به هر حال، به نظر اینجانب، افراد مذکور، گرچه از نظر سنی از سن بلوغ گذشته‌اند، لیکن بالغ نمی‌باشند؛ چون بلوغ به معنای خروج از کودکی و رسیدن به تصمیم‌گیر کودکانه است. و سن، به علاوه تحقّق آن مقدار از درک، علامت بلوغ است، نه محض سن.

۷۹/۳/۱۵

﴿س ۱۲۸﴾ چند نفر از دانش‌آموزان از لحاظ توان دست راست یا چپ،

دچار نارسایی هستند، به طوری که برای وضو گرفتن دچار مشکل هستند و قادر به رساندن آب به تمام قسمت دست نیستند. وضوی این افراد با این شرایط، چه حکمی دارد؟

ج - اگر خودشان متوجه نشوند، مانعی ندارد؛ چون به بیش از توجه خودشان تکلیف ندارند، و نباید نرسیدن آب به بعضی از مواضع وضویشان را به آنان گفت و اعلام، کار نادرستی است؛ لیکن اگر خودشان متوجه شدند و سؤال نمودند، باید آنان را متوجه کرد و اگر نمی‌توانند و یا برایشان زحمت فوق‌العاده دارد، شستن بقیه مواضع به حکم لاجرح و عدم تکلیف به امر غیر مقدور و نبودن مورد از موارد تیمم، کفایت می‌کند؛ مگر آنکه تمام یک عضو چنین باشد که احتیاط در وضوی بقیه اعضا و تیمم است. ۸۰/۲/۲۵

﴿س ۱۲۹﴾ تدریس معلم زن نابینا برای دانش‌آموزان پسر نابینا و یا معلم مرد برای دانش‌آموزان دختر، با توجه به اینکه دست آنها با هم برخورد دارد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر بر حسب جریان عادی، امر آموزش بر آن متوقف باشد، به عنوان حاجت و یا ضرورت و بدون ربه و قصد لذت، نمی‌توان گفت حرام است.

﴿س ۱۳۰﴾ اگر دانش‌آموزان دختر معلول جسمی - حرکتی که به سن تکلیف رسیده‌اند، در حال افتادن ناگهانی باشند، آیا آموزگار مرد می‌تواند او را بگیرد و از سقوط وی جلوگیری کند؟

ج - آری، می‌تواند؛ بلکه به دلیل جلوگیری از وارد شدن

۷۹/۱۱/۱۲ صدمه به او باید مانع از افتادنش شود.

### مسائل متفرقة دانش آموزان

﴿س ۱۳۱﴾ اگر در مورد کیفیت تدریس استادی نظرخواهی شود، چنانچه پاسخ ما در این باره منفی باشد، آیا غیبت محسوب می شود؟  
ج - اظهار نظر درباره سطح علمی افراد غیبت نیست؛ لیکن درباره بقیه جهات، پرهیز از اظهار نظر، با احتیاط مطابق است.  
۷۵/۱۲/۱

﴿س ۱۳۲﴾ نگاه کردن دختران به دبیر مرد و پسران به دبیر زن، چه حکمی دارد؟

ج - هرچند ظاهراً نظر به صورت، بدون قصد لذت و بدون ترتب مفسده جایز است، لیکن کمال دقت بر اکتفا به ضرورت، لازم است.  
۷۲/۳/۲۲

﴿س ۱۳۳﴾ نوشتن قرآن به وسیله گچ و غیر آن روی تابلو و پاک نمودن آن، چه حکمی دارد؟

ج - نوشتن قرآن روی تابلو به شرط طهارت گچ و چیزی که گچ را با آن پاک می کنند، جایز است.  
۷۴/۱/۱۰

﴿س ۱۳۴﴾ گاهی در مدارس مشاهده می شود که دانش آموزان در مراسم صبحگاهی و یا ظهرگاهی، قرآن را به صورت غلط می خوانند، لطفاً حکم شرعی را در این خصوص بیان فرمایید.

ج - تصحیح قرائت غلط قرآن بر کسی که آن را می شنود، مطلقاً واجب است.  
۸۸/۲/۲۰

﴿س ۱۳۵﴾ اگر معلّمی دانش‌آموزی را به شدّت تنبیه کرده باشد، آیا دانش‌آموز حقّ مقابله به مثل دارد؟

ج - نباید کودک را مورد ضرب و اذیت قرار داد، و تعلیم و تأدیب باید با غیر از چنین اعمالی انجام گیرد، و در صورت وارد کردن جرح، علاوه بر آنکه کار غلط و نادرست و حرام می‌باشد، دیه به مقدار جراحت هم بر ضارب، واجب می‌گردد و اما در چنین مواردی حقّ مقابله به مثل را ندارد. به علاوه که مقابله به مثل در موارد خودش هم باید با مراجعه به محکمه و رأی محکمه صالح باشد.

۸۸/۲/۲۰

﴿س ۱۳۶﴾ آیا در محیط مدرسه، امر به معروف و نهی از منکر، با نهی مسئولین مدرسه، از گردن دانش‌آموزان ساقط می‌شود؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط، واجب است. و اگر شرایط آن وجود نداشته باشد، واجب نیست.

۷۴/۱۱/۸

#### احکام و مسائل آموزشی دانشجویان

﴿س ۱۳۷﴾ در صورتی که فتاوی مراجع با عملکرد و گفتار بعضی از رؤسای بیمارستان‌های آموزشی یا آزمایشگاهها مطابق نباشد، تکلیف دانشجویانی که موظّف به اجرای دستور اساتید و پزشکان در امر معاینه‌اند چیست؟ آیا باید از اساتید تبعیت کنند یا خیر؟

ج - بر مکلف واجب است که طبق فتوای مرجع تقلید عمل

کند و خلاف آن جایز نیست؛ مگر اینکه خود، مجتهد یا محتاط باشد؛ بنابراین، تبعیت در کار خلاف شرع، حرام و نهی از منکر واجب است؛ مگر آنکه تخلف، باعث حرج و مشقت باشد و سبب گردد که اذیت شود، که در این صورت، به حکم نفی حرج و نبودن مشقت در اسلام و اینکه اسلام، دین سهولت است، مانعی ندارد؛ لیکن در عین حال، به قدر ضرورت و نیاز اکتفا شود.

﴿س ۱۳۸﴾ در بعضی از بیمارستان‌ها، دانشجویان به دلیل اینکه باید دوره آشنایی با کارهای طبابت را عملاً بگذرانند، از بیماران معاینه به عمل می‌آورند و قصدشان هم تعلیم امور درمانی است. آیا در صورت عدم رضایت بیماران، می‌توان آنان را به معاینه مجبور کرد؛ مانند اینکه پزشک معالج به بیمار بگوید، اگر از معالجه توسط دانشجویان ممانعت به عمل آورد، او را درمان نخواهند نمود؟ اگر اقدام یاد شده در مورد ضرورت تعلم، بدون اشکال است، مورد ضرورت را توضیح دهید؟

ج - اگر ممانعت به نحو یاد شده، جزو مقررات و برنامه‌های بیمارستان است، قطعاً مانعی ندارد؛ اما اگر پزشک معالج، خود می‌خواهد چنین ممانعتی را بنماید، و خلاف مقررات هم نباشد و تعلیم و تعلمی که حفظ جان انسان‌ها و معالجه آنها بر آن مترتب است، بر آن معاینه متوقف باشد، نه تنها معاینه بر دانشجوی واجب است، بلکه بر بیمار هم واجب است که خود را در معرض آن قرار دهد، و اگر حاضر نشد، اجبار به طریق یاد شده - که در حقیقت اجبار هم نیست،

بلکه استفاده پزشک از معلومات و اختیارات خودش است - مانعی ندارد و پزشک با این تهدید به ممانعتش از معالجه، به هر دو وظیفه خود، که معالجه و حفظ جان انسانها و پیشرفت در علم پزشکی است، عمل نموده است.

﴿س ۱۳۹﴾ در بیمارستانها و مراکز آموزش پزشکی جهت یادگیری و آموزش دانشجویان پسر و دختر، مبادرت به انجام زایمان، کورتاژ و... می نمایند، نظر حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج - در صورت توقف در پیشرفت پزشکی که از امور مهم است، و با توجه به عزت علمی بر این گونه اعمال، ظاهراً جایز است؛ لیکن باید به حداقل ضرورت و رفع نیاز، اکتفا نمود.

﴿س ۱۴۰﴾ نگهداری جنین در آزمایشگاه به منظور آموزش دانشجویان چگونه است؟

ج - هرچند دفن جنین مسلمان، واجب است، لیکن نگهداری او تا مدتی، برای پیشرفت علم و عزت اسلامی با رضایت اولیای او، جایز است.

﴿س ۱۴۱﴾ با توجه به مراجعه زنان به برخی از پزشکان مرد و آثار روانی مترتب بر آن، آیا بر زنانی که استعداد و یادگیری علوم پزشکی مربوط به زنان را دارند، واجب است که این علوم را یاد بگیرند؟

ج - یاد گرفتن و تعلم علوم پزشکی برای معالجه، مانند بقیه علوم و صنایع مورد احتیاج جامعه، واجب کفایی است و در این وجوب، بین زن و مرد، فرقی نیست؛ و اما وجوب شرعی

برای خاصّ زنان (تا بانوان بیمار، دچار آثار روانی ناشی از مراجعه به مردان و ارتکاب امر جایز به حکم حاجت و اضطرار نشوند)، دلیلی ندارد؛ لیکن برای حفظ عفاف و ایجاد آرامش روانی برای بانوان بیمار و حفظ عظمت جمهوری اسلامی، فراگیری علوم پزشکی برای زنان، امری مطلوب است.

﴿س ۱۴۲﴾ در صورت کمبود استخوان برای آموزش پزشکی، آیا می‌توانیم از استخوان‌هایی که در بیابان و قبرستان‌ها می‌یابیم و یا به وسیله عملیات حفّاری شهرداری‌ها در سطح خاک ظاهر می‌شوند (چه متعلّق به مسلمانان و چه غیر مسلمانان) استفاده کنیم و بعد از اتمام کار، به مرکز آموزش دیگری هدیه نماییم یا آن را دفن کنیم؟

ج - جایز است، مگر آنکه سبب هتک مسلمانان باشد؛ چون استفاده از چنین استخوان‌هایی، اگر از جسد مسلمانان باشد، تقطیع نیست تا مسأله «تشریح» مطرح گردد؛ همچنانکه قدر متیقّن از وجوب دفن آنها احترام گذاردن به مسلمانان است و با استفاده علمی، بی احترامی محقّق نمی‌شود.

﴿س ۱۴۳﴾ آیا می‌توان برای آموزش، به علّت کمبود جسد و استخوان (که بدون آنها آموزش امکان‌پذیر نیست) به نبش قبر غیر مسلمان اقدام نمود؟ در فرض مسأله، اگر ندانیم این قبر متعلّق به مسلمان است یا غیر مسلمان، آیا مجازیم نبش قبر انجام دهیم؟

ج - مانعی ندارد، مگر آنکه طبق مرام و آداب خودشان،

جایز نباشد. در این صورت، به خاطر لزوم احترام به حقوق، نیش قبر آنان حرام است؛ چون خلاف احترام و قرارداد است. و اگر در بلاد مسلمین باشد، محکوم به قبر مسلمان است.

﴿س ۱۴۴﴾ بنده چون دانشجوی پزشکی هستم، ناچار به مطالعه علمی استخوان‌های مردگان هستم و باید همیشه استخوان‌های مرده‌ای را که غسل نداده‌اند و فقط ضد عفونی شده، مس نمایم و نمی‌توانم دائماً غسل کنم، اکنون وظیفه بنده چیست؟

ج - در مس استخوان جدا شده از میت که یک سال از آن گذشته باشد، عدم وجوب غسل مس میت خالی از قوت نیست؛ به علاوه، اگر مس با دستکش و حایل باشد، سبب غسل نمی‌شود و غسل مس، مخصوص تماس مستقیم و بدون حایل است.

﴿س ۱۴۵﴾ آیا مس استخوان‌هایی که هم متعلق به مسلم است و هم کافر، و هم عده‌ای که سال‌ها از فوت آنها می‌گذرد و هم عده‌ای که تازه فوت کرده‌اند، و در اتاق‌های تشریح و آناتومی توسط دانشجویان پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، غسل مس میت دارد یا خیر؟

ج - عدم وجوب غسل مس استخوان میتی که حداقل یک سال از مرگ او گذشته باشد، خالی از قوت نیست. ۷۳/۶/۱۹

﴿س ۱۴۶﴾ نظر جناب عالی در رابطه با نیش قبر و برداشتن قطعه‌ای از استخوان بدن میت، برای دانشجویان رشته پزشکی که مورد نیاز علمی آنهاست، چیست؟



ج - نبش قبر برای استفاده دانشجویان رشته پزشکی و برداشتن قطعه‌ای از بدن میت که مورد نیاز است، مانعی ندارد؛ لیکن هماهنگی با مسئولین قانونی برای نبش، به صورت مخفیانه و با حفظ ظاهر صورت قبر، به گونه‌ای که هتک نباشد لازم است.

﴿س ۱۴۷﴾ تشریح جسد به منظور آموزش دانشجویان، چه حکمی

دارد؟

ج - تشریح در مفروض سؤال که دارای غرض عقلایی است و بی‌احترامی و هتک بر میت نیست، فی حدّ نفسه جایز است و دلیلی بر حرمت ندارد؛ اما رضایت اولیای میت و رعایت وصیت میت، واجب و تخلف از آن حرام است. ۷۴/۶/۱۴

﴿س ۱۴۸﴾ هر پزشکی در طول دوران دانشجویی خود، باید هرچند

مختصر، از انواع و اقسام اختلالات و بیماری‌های زنان و چگونگی انجام گرفتن زایمان سالم و... اطلاع یابد. کسب این اطلاعات در مورد دانشجویان، بیشتر آموزشی هستند تا درمانی (یعنی ممکن است نجات جان بیمار، وابسته به دانستن آنها نباشد)، اما دانشجویان در دوره‌های مختلف، ملزم به فراگیری آنها و گذراندن واحدهای درسی مربوط و امتحان دادن در پایان دوره هستند تا در نهایت، بتوانند فارغ‌التحصیل موفقی باشند. با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، بفرمایید تکلیف و وظیفه دانشجوی چیست؟ آیا می‌تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی، و یا در هر شرایطی و با هر وسیله‌ای به فراگیری صحیح کارش بپردازد تا در آینده، کمتر دچار مشکل شود؟ و به طور کلی، چگونه می‌توان بین وظیفه پزشکی

و دانشجویی (که در کتب پزشکی بر انجام دادن آنها تأکید شده) و وظیفه شرعی و اسلامی - که طبیعتاً نباید با وظیفه پزشکی تناقض داشته باشد - جمع کرد؟

ج - اهمیت علوم پزشکی و عزت اسلامی آن و نیاز مبرم عامه، و متوقف بودن جان انسان‌ها و معالجه آنها بر تعلم امور مذکور، خود به حکم تراحم اهم با مهم (یعنی وظیفه شرعی و اسلامی که در سؤال آمده است) و ترجیح اهم، سبب جواز شرعی بوده و جایز است؛ به علاوه که ظاهراً مسئله معالجه هم بالقوه خود، جزو موارد استثنای از حرمت است و نوبت به تراحم هم نمی‌رسد. و یکی از موارد استثناء شده از حرمت نظر و لمس، معارضه آنها با امری است که مراعاتش در نظر شارع، اهم باشد. و این مورد هم با قطع نظر از مسئله معالجه بالقوه (که خود نیز ظاهراً از موارد استثناءست) از این گونه موارد است. ۸۰/۱۱/۸

﴿س ۱۴۹﴾ ما دانشجو هستیم و استاد، دو یا سه بیمار را در اختیار ما می‌گذارد و ما موظفیم تمام کارهای مربوط به آنان، از جمله گرفتن نبض، فشار خون، درجه حرارت و... آنها را انجام دهیم و گاهی باید بر بعضی از کارها، مثل سوند گذاری برای ادرار، نظارت داشته باشیم. با این توضیح بفرمایید: با توجه به اینکه این کارها جزو دروس عملی ما محسوب می‌شود و بعد از فارغ التحصیلی، مسئول بخشی از بیمارستان می‌شویم که با این گونه بیماران سر و کار داریم، تکلیف ما چیست؟

ج - هر چند این گونه کارها به طور طبیعی و در غیر مقام

معالجه و ضرورت، حرام است - که در سؤال هم به آن توجه شده است - لیکن به جهت معالجه، هرچند به دلیل کارآموزی، جایز و جزو موارد استثنا شده از حرمت نظر و لمس است؛ ضمن اینکه حرام نبودن را به کمک تراحم هم می توان اثبات کرد؛ چون جامعه بشری به این گونه کارشناسان در زمینه بهداشت و درمان نیازمند است و به عنوان واجب کفایی باید انجام گیرد و این گونه واجبات کفایی، از اهمیت بالایی برخوردارند و باید اهم بر مهم مقدم شود و در جواز امور یاد شده، با خصوصیت و شرط یاد شده، بین زمان دانشجویی و فارغ التحصیلی فرقی وجود ندارد.

﴿س ۱۵۰﴾ معاینات و آموزش هایی که احتمال دارد در آینده در معالجه بیماران ضرورت یابند، چه حکمی دارند؟

ج - اگر احتمال عقلایی و مورد اعتنای پزشکی باشد، مانعی ندارد.

﴿س ۱۵۱﴾ در آموزش بیماری هایی که بین زن و مرد مشترک است (مثلاً گلو درد) آیا لازم است که حتماً دانشجویان با بیماران هم جنس خود آموزش ببینند؟

ج - آری، لازم است.

﴿س ۱۵۲﴾ آیا نگاه به عکس های عریان که در کتب پزشکی هست، اگر به قصد آموزش باشد، جایز است؟ اگر ریبه آور باشد، هرچند برای آموزش، جایز است یا خیر؟ اگر ریبه آور نباشد، آیا بدون قصد آموزش هم

جایز است؟

ج - اگر از روی لذت نباشد و خوف افتادن در حرام هم نباشد، مانعی ندارد؛ اما اگر خوف افتادن به حرام باشد، جایز نیست و حرام است؛ چه برای آموزش باشد و چه نباشد.

﴿س ۱۵۳﴾ در صورتی که هنگام ضرورت، معاینهٔ بیمارانی که محرم نیستند، توسط دانشجویان جایز باشد، مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟

ج - حَرَج و مَشَقَّت و اضطراب برای معالجه، رافع حرمت است و تشخیص با خود مکلف است.

﴿س ۱۵۴﴾ غالباً در معاینهٔ اعضای تناسلی - اعم از اینکه توسط فرد مماثل صورت گیرد یا دیگری - احکام شرعی، مانند نگاه کردن پزشک یا دانشجو از طریق آینه، رعایت نمی‌شود و چون ما برای فراگیری چگونگی تشخیص بیماری‌ها از آنان تبعیت می‌کنیم، وظیفهٔ ما چیست؟

ج - لمس زن توسط مرد و برعکس، حرام است؛ مگر در صورت ضرورت یا معالجه برای امداد رسانی، خون‌گیری، شکسته‌بندی، اندازه‌گیری نبض، حرارت و فشار خون، جراحی، معاینه، تزریق و امثال آنها، حَسَب مَقَرَّرات پزشکی، آن هم به اندازهٔ کفایت و ضرورت.

﴿س ۱۵۵﴾ ما دانشجویان در خلال تحصیلات دانشگاهی، برای آموزش، از دستگاه‌های تناسلی مصنوعی که از مواد پلاستیکی ساخته شده‌اند استفاده می‌کنیم، نگاه کردن و لمس آنها

چه حکمی دارد؟

ج - فی حدّ نفسه مانعی ندارد.

﴿س ۱۵۶﴾ دانشجویان رشته پزشکی در خلال تحصیل، عکس‌ها و فیلم‌های مختلفی را از اعضای تناسلی بدن، به قصد آموزش می‌بینند، آیا این عمل جایز است؟ همچنین دیدن عورت غیر مماثل چه حکمی دارد؟

ج - اگر از روی لذت نباشد و خوف افتادن در حرام هم نباشد، مانعی ندارد؛ اما اگر خوف افتادن به حرام باشد، جایز نیست و حرام است؛ چه برای آموزش باشد و چه نباشد.

#### احکام دانشجویان رشته هنر

﴿س ۱۵۷﴾ رشته‌های تحصیلی هنر در دانشگاه‌ها عمدتاً از کتب و مجلات خارجی تغذیه می‌شوند و منابع فارسی، بسیار محدود و حداکثر در حدّ ترجمه‌اند. در این خصوص، کتاب‌ها بخصوص در رشته‌هایی چون نقاشی، گرافیک، عکاسی و سینما، دارای تصاویری هستند که اگر مستهجن نباشند، حدّ اقل مطلوب نیستند. در حذف و یا پوشاندن آن تصاویر نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که بعضاً موافق وجود آنها در طراح‌ی و شناخت آناتومی انسان در نقاشی هستند. در این خصوص، مسئولان واحدهای مربوط، بخصوص کتابخانه که مسئول تهیه و عرضه کتاب و مجلات مورد نیاز دانشجویان و اساتید می‌باشد، با مشکلاتی مواجه هستند. لذا در این خصوص، مواردی ذکر می‌شود و تقاضا داریم جهت

تعیین تکلیف شرعی مسئولان و کتابداران، تفصیلاً پاسخ مقتضی را عنایت فرمایید.

۱- کتب و مجلات رشته سینما و تئاتر، بخصوص مجلات نقد و تحلیل فیلم‌ها که برای شناخت دانشجویان لازم است و معمولاً با تصاویری از برخی صحنه‌های فیلم‌ها همراه است؟

۲- در نقاشی و مجسمه‌سازی، تصاویر جسم زن یا مرد، بدون پوشش (برهنه کامل) و یا با پوشش ناقص که در آثار بعضی از نقاشان بزرگ و معروف دنیا دیده می‌شود و حذف یا استتار آنها اصل موضوع را در تحلیل هنر نقاشی منتفی می‌کند.

۳- در عکاسی و هنر پرتره نیز همانند نقاشی، تصاویری وجود دارد که فن نورپردازی، زاویه دید و صحنه‌پردازی و... را توضیح می‌دهد.

۴- طراحی با استفاده از نمونه طرح‌های طراحان بزرگ نیز دارای نمونه طرح‌هایی است که از بدن انسان و یا نیم‌تنه اشخاص طراحی شده است.

ج - به نظر اینجانب، آنچه در بندهای یک تا چهار سؤال آمده، با فرض توقّف عزّت علمی و هنری جمهوری اسلامی و یا مقابله و پاسخ مناسب دادن به مطالب و امور فاسد و مفسد آنها که در بند یک به عنوان نقد ذکر شده، نمی‌توان گفت حرام است و به حکم مقدمیت برای عزّت اسلامی ذکر شده است، مطلوب و بلکه در برخی از مراتب و اقسام آن، حسب شرایط خاصه ایّام و امکانه و سیاست‌ها و تدبیر امور نظام اسلامی، می‌تواند لازم و واجب و ضروری باشد؛

همچنانکه به خاطر نقد، از باب رفع فساد و نهی از منکر، لازم و واجب است.

﴿س ۱۵۸﴾ از خواهران دانشجوی مرکز تربیت معلم هستیم. ما یک واحد درسی به نام «هنرهای نمایشی» داریم. با توجه به اینکه هدف کلی ما هدایت و ارشاد نسل جوان به سوی آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است، لطفاً نظر خویش را در مورد امور ذیل که بدون حضور نامحرم انجام می‌گیرد، مرقوم بفرمایید:

۱- بازیگری در نقش مردان، مانند بازیگری زن در نقش یک پدر.

۲- پوشیدن لباس مخصوص مردان.

۳- تقلید صدای مردانه.

۴- گریم مخصوص مردان، مانند گذاشتن محاسن.

در صورت جایز نبودن امور مذکور، آیا طبق نظر حضرت عالی، راهی شرعی برای اجرای اسلامی این نمایش‌ها در جهت تبلیغ اسلام برای ما خواهران مسلمان وجود دارد؟

ج - همه اعمال مذکور در مفروض سؤال، با توجه به هدف ذکر شده در سؤال، مانعی ندارد. بنابراین، بازیگری زنان در نقش مردان یا مردان در نقش زنان که دارای غرض عقلایی مشروع باشد، با فرض رعایت شرعی امور جنسی آن، یعنی نگاه نکردن نامحرم به بدن نامحرم و یا موی او، مانعی ندارد؛ چون آنچه حرام است تزوی مرد به زنی زن و یا تزوی زن به زنی مرد است؛ یعنی زن خود را در جامعه، مرد نشان دهد و بالعکس. و روشن است که تزوی، به نمایش‌های متعارف

ارتباطی ندارد تا سبب حرمت آن گردد. ۷۹/۲/۱۹

﴿س ۱۵۹﴾ دانشجویان دانشکده علوم تربیتی باید در مرحله درس اختصاصی در درس سرودها و آوازهای انقلابی شرکت کنند؛ زیرا در آنجا قطعه‌های موسیقی را می‌آموزند و به طور اجمالی با آنها آشنا می‌شوند. وسیله اصلی فراگیری این درس ارگ است. آموختن این درس که جزء واحدهای اجباری است چه حکمی دارد؟ خرید و استفاده از وسیله مذکور برای ما دانشجویان چه حکمی دارد؟

ج - هر نحو موسیقی و غنا و اصوات و لهوالحدیثی که موجب گمراهی انسان از راه خدا و سعادت گردد، اجرا و شنیدن و تهیه ابزار و وسایل مخصوص آنها یا درست کردن به قصد چنین استفاده‌ای، همه و همه، حرام و معصیت است، و ناگفته نماند که ترویج و تشویق بی‌عفتی و بی‌بند و باری و گناهان فکری و بدنی و تنبلی و کَلّ بر جامعه شدن و اعتیاد به موادّ مخدر و الکل و دیگر معاصی، همه و همه، ضلالت عن سبیل الله است و از همه راههای منجر به آنها باید جلوگیری شود؛ و هر موسیقی‌ای که موجب و سبب آنها باشد، موسیقی حرام است و هیچ تفاوتی بین انواع و ابزار و ادوات آنها نیست. آری، موسیقی‌هایی که دارای این نحو از اضلال نباشند و همراه با حرام دیگری مانند اختلاط زن و مرد و ابتدال در مجلس نباشند، نمی‌توان گفت حرام است و ظاهراً جایز و مباح است؛ و آموختن و استفاده از وسایل موسیقی هم تابع اصل



### احکام روابط دانشجویان با اساتید

﴿س ۱۶۰﴾ بسیاری از اساتید می‌گویند که بهترین معاینه، کامل‌ترین آن است و عدم توجه به این موضوع، در مواردی موجب اعتراض استاد به دانشجو می‌شود؛ در حالی که با تأمل در شرایط بیمار و لزوم عمل، دانشجو تشخیص می‌دهد که بسیاری از معاینات ضرورتی ندارد. با توجه به اینکه معاینات کامل، مستلزم لمس بیمار و نظر بیشتر به اوست، تکلیف چیست؟

ج - با توجه به اینکه نظر استاد نزد عقلا و دانشمندان، مقدم بر نظر دانشجو و متعلم است و او ممکن است مسائل و خصوصیات را بداند که دانشجو نمی‌داند، باید به نظر استاد عمل شود و نظر و لمس بیشتر هم که لزوم یادگیری است (مانند اصل نظر و لمس) جایز است.

﴿س ۱۶۱﴾ نگاه به اساتید زن برای دانشجویان مرد و برعکس، تا چه حد مجاز است؟ اگر مثلاً کمی از موی استاد زن بیرون باشد، آیا نظر به چهره او برای فهمیدن درس، جایز است؟

ج - برای فهمیدن و یادگیری و با توجه به آنکه عادت و رویه استاد چنین است و قصد لذت هم در کار نیست، جایز است.

﴿س ۱۶۲﴾ شوخی کردن اساتید زن با دانشجویان مرد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر مفسده داشته باشد، جایز نیست.

﴿س ۱۶۳﴾ اگر دانشجویی از اسرار استادش آگاه باشد و فساد اخلاقی او

را بدانند، وظیفه‌اش چیست؟ در حالی که بقیّه او را کاملاً مؤمن می‌دانند و در مسائل بسیاری به او مراجعه می‌کنند؟

ج - باید توجه داشت که نظر اسلام عزیز بر غمض عین از گناهان عرضی مردم و ستر و پوشیده نگه داشتن آن است، و هیچ‌کس حق افشای اسرار دیگران را ندارد که این خود فعلی حرام و در مواقعی باعث اشاعه فحشا و از بین رفتن قبح گناه می‌باشد و اشاعه فحشا از گناهان کبیره محسوب می‌گردد.

۸۸/۲/۱۰

### احکام روابط بین دانشجویان

﴿س ۱۶۴﴾ در ارتباط ما با همکاران دانشجو، چه در محیط کلاس درس که استاد به تشریح بی‌پرده بیماری و نحوه درمان می‌پردازد، و چه در محیط بیمارستان که دانشجویان دختر و پسر با هم برای معاینه بیمار حاضر می‌شوند، مقداری از آن حریمی که همیشه وجود داشته، ناخواسته از بین می‌رود و این روابط باعث می‌شود که برخوردهای بین برادران و خواهران دانشجو، بدون اینکه هیچ نیت سویی در بین باشد، نزدیک‌تر شود و افراد، راحت‌تر با هم حرف بزنند. آیا روابط مزبور، بدون قصد تلذذ حرام است؟

ج - حکم نشست و برخاست و رفت و آمد بین دانشجویان و همکاران با همه خصوصیات ذکر شده در سؤال، حکم نظر و لمس را دارد، و با فرض توقّف یاد گرفتن مسائل پزشکی که واجب کفایی است، نمی‌توان گفت حرام است؛ لیکن

همان گونه که در سؤال آمده، عزیزان دانشجو همیشه باید حالت مراقبت و مواظبت را در خود زیر نظر داشته باشند و در حدّ توان، رعایت حدود را بنمایند و به اندازه لازم، بسنده نمایند.

﴿س ۱۶۵﴾ گفتگوی دانشجویان دختر و پسر در مورد مسائل درسی و رفع اشکال آن چه صورتی دارد؟

ج - با رعایت کامل حجاب و پایبند بودن به موازین شرعی و نبودنشان در مکان خلوت و بدون ترتّب مفسده، ظاهراً جایز است؛ چون شنیدن صدای زن بیگانه و کلام او برای مرد بیگانه و نامحرم، فی نفسه حرام نیست؛ لیکن کمال دقت بر اکتفای موارد حاجت، مانند مسأله درس و رفع اشکال، مطلوب است.

۷۹/۴/۲۵

﴿س ۱۶۶﴾ آیا جایز است برای امور آموزشی در دانشگاه، پسران و دختران جوان در کنار یکدیگر و یا عده‌ای از پسران جوان پشت سر دختران جوان بنشینند؟

ج - فی حدّ نفسه جایز است، اما اگر منشأ تهمت و فساد گردد اجتناب از آن لازم است.

۸۸/۲/۲۰

﴿س ۱۶۷﴾ آیا صحبت کردن دانشجویان دختر و پسر نامحرم، بدون قصد لذّت، جایز است؟ و آیا سخنرانی خواهران در مجالس دانشجویی که مردها هم حضور دارند، جایز است؟

ج - موارد ذکر شده اگر مفسده داشته باشند، جایز نیست. آری، اگر مفسده نداشته باشند، صحبت کردن حرام نیست.

### احکام و مسائل ازدواج

﴿س ۱۶۸﴾ آیا ازدواج برای دانش‌آموزی که هنوز در خانه پدر است و امکانات ازدواج ندارد و از طرفی چون زن ندارد، به حرام می‌افتد، واجب است؟

ج - باید خود را حفظ کند، و او مشمول آن وجوب شرعی نیست.  
۷۴/۲/۱۵

﴿س ۱۶۹﴾ دختر و پسرهایی که در مراکز آموزشی و دانشگاهها با هم معاشر هستند، آیا برای محرمیت می‌توانند صیغه محرمیت بخوانند؟ آیا ازدواج موقت می‌تواند در این مورد، مشکلات جوانان را حل کند؟ و آنان را از فحشا و منکرات دور نگاه دارد؟

ج - اجازه پدر و ولی در عقد موقت و صیغه، معتبر است و بدون اجازه او، خواندن و نخواندن صیغه، همانند است. و در عقد دایم نیز، مانند سایر مقررات، ثبت ازدواج در محضرها به عنوان قانون نظام، لازم و واجب است و باید برای ثبت و اجرای صیغه عقد به محضر مراجعه شود و عدم مراجعه، معصیت و موجب ندامت است و عواقب خطرناکی را در پی دارد. و ناگفته نماند مشروعیت فی الجمله عقد موقت - یعنی برای اضطرار، همانند جنگ‌های طولانی - جزء مسلمات مذهب شیعه است، و اساساً همان طور که ذکر شده است، مشروعیت آن برای موارد اضطرار است و عامل جلوگیری از فساد در همان زمینه می‌باشد. و جلوگیری از منکرات و

فحشا به وسیله نماز واقعی است که قرآن می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». همین طور تربیت صحیح و ترویج نکاح دایم و تکثیر آن از عوامل بازدارنده می باشد. به نظر اینجانب، نه تنها متعه نمی تواند مانع فساد باشد، بلکه اگر از مورد فی الجمله اش خارج شود و در عرض ازدواج دایم قرار گیرد، اساس زندگی و کانون های گرم خانواده را به خطر و نابودی انداخته و بی بند و باری ناشی از آن، جامعه را از جهات عدیده به سقوط می کشاند. و اگر مشکلات و مفسدات از ناحیه عدم عمل به شرایط و احکام و فرهنگ ازدواج در اسلام باشد، می توان با عمل به فرهنگ صحیح ازدواج و آگاه کردن اذهان نسبت به آن قوانین، جلوی مفسدات را گرفت. و اما اگر مفسدات از ناحیه دیگری باشد - مثل عدم وجود کار و درآمدی که مرد با آن مخارج زندگی را تأمین نماید - حتی اگر فرهنگ ازدواج هم درست باشد و درست عمل شود، باز نمی توان مفسدات را ریشه کن کرد و باید فکری برای آن موانع نمود، و این کار به عهده دولت جمهوری اسلامی، به معنای عام آن است. آری برای تسهیل ازدواج باید سخت گیری غیر عقلانی را کنار گذاشت و خانواده ها اگر تمکن مالی دارند، باید وسیله ازدواج جوانان را فراهم کرده و مدتی که آنها تحصیل می کنند، هزینه زندگی آنها را تأمین نمایند تا آنها هم بتوانند خوب درس بخوانند.

﴿س ۱۷۰﴾ حکم ازدواج دانشجویانی که در کشورهای خارجی تحصیل می‌کنند با زنان و دختران کافر آن کشورها چیست؟ در صورت جواز، آیا باید این ازدواج بر طبق احکام شرعی دانشجوی ایرانی باشد یا طبق قواعد آنان، مثلاً در ازدواج با دختران آنها آیا اذن پدر شرط است یا نه؟

ج - مشهور، عدم جواز عقد دائم با زنان اهل کتاب است و نظر اینجانب گرچه بر جواز و احتیاط مستحب در ترک آن است، لیکن به نظر می‌رسد که برای پیشگیری از ارتباط خانوادگی با غیر مسلمان و مفسد جنبی آنها، مسلمانان در شرایط فعلی باید از چنین ازدواج‌هایی خودداری نمایند. آری، مسأله ضرورت و مصلحت موردی، مسأله دیگری است؛ و در عقد موقت نیز با فرض ضرورت و احتیاج مرد مسلمان در آن سرزمین‌ها و نبودن زن مسلمان و کتابیه برای عقد موقت و اطمینان فرد به حامله نشدن آنها و کوتاه بودن مدت، به نحوی که تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های غیر الهی آنها - که باعث خسران و آتش و عذاب است - قرار نگیرد، ظاهراً مانعی ندارد و جایز است. به طور کلی، باید توجه داشت که اساساً عقد موقت در اسلام برای ضرورت است، نه عیاشی مشروع و عدل ازدواج دائم قرار گرفتن. بنابراین، برای کسانی که همسرشان در اختیار آنهاست و می‌توانند غریزه جنسی را به وسیله همسر اطفأ نمایند، عقد موقت، ولو نسبت به زن مسلمان، به نظر اینجانب محل اشکال، بلکه محکوم به منع و عدم جواز است و وسیله خراب شدن و از

بین رفتن کانون زندگی و محیط سکن و آرامش و صدها ضرر دیگر است. و ناگفته نماند که در عقد موقتِ دختر باکره، اذن پدر شرط است و بدون اذن او عقد باطل و خواندن و نخواندن صیغه همانند است و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان از این جهت نمی‌باشد. ۷۸/۷/۳۰

### احکام و مسائل امر به معروف و نهی از منکر

﴿س ۱۷۱﴾ ملاک تشخیص «معروف» و «منکر» در رفتارهای اجتماعی، به استثنای اخلاقیات که نصّ صریح قرآن و سنت بر آن تأکید دارد، چیست؟ و اصولاً چه ضوابط و ملاک‌هایی برای تعریف معروف و منکر وجود دارد که در حیطه رفتارهای فردی و اجتماعی در شرایط گوناگون «مقتضیات زمان و مکان» قابل تبیین باشد؟

ج - معروف، عبارت است از هر کار و عملی که نزد مردم و عقلایی که انسان بین آنها زندگی می‌کند، دارای حُسن و خیر و خوبی باشد و انجام دهنده‌اش مورد ستایش قرار بگیرد و منکر، مقابل آن است؛ یعنی هر کاری که نزد همان مردم، بد و ناروا باشد؛ به نحوی که مرتکبش قابل ذمّ و توبیخ باشد. ناگفته نماند که این تعریف، نسبت به مورد سؤال است؛ یعنی جایی که شارع مقدّس اسلام، آن را بخصوص، منکر و معروف ندانسته باشد؛ وگرنه واضح است که قضاوت توده بر قضاوت ذات باری تعالی نمی‌تواند مقدّم باشد؛ زیرا او هم عالم به جمیع جوانب امور است، و هم

مصلحت اندیش و حکیم است. کما اینکه ناگفته نماند که همه آن معروف‌های عقلایی، مشمول ادله استحباب بر و احسان و مسابقه در خیر و حسن ارتکاب معروف‌اند و نتیجتاً معروف عندالشارع هم هستند. اساساً معروف عقلایی، همان معروف مورد آیات و روایات است؛ چون زبان شرع، همان زبان عرف است که: «وما أرسلنا من رسول الا بلسان قومه».

۷۸/۶/۶

﴿س ۱۷۲﴾ آیا فقه شیعه، اجازه برخورد‌های فیزیکی با فردی که یکی از نمادهای رفتار دینی، مانند حجاب را که از مسلمات حکم قرآن است رعایت نکرده باشد، می‌دهد؟ و آیا در سنت معصومین علیهم‌السلام، سیره‌ای که دال بر برخورد با نوع رفتارهای دینی که مورد غفلت واقع شود، وجود دارد؟

ج - آنچه وظیفه مسلم مسلمانان در مقابله با ارتکاب این‌گونه معاصی و منکرها که یا جنبه حق الله دارد و یا منکرهای دیگر که جنبه حق الناس هم دارد، مثل تضییع اموال مردم و بیت‌المال و یا خیانت به حقوق جامعه و افراد و... می‌باشد، همان نهی از منکر است که وجوبش جای هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای نیست و اسلام، آن را واجب نموده تا محرّمات الهیه در جامعه ترک شود و خیانت به افراد و حقوق آنها تحقق پیدا نکند؛ لیکن بحثی که بین فقها مطرح است، آن است که آیا رفتار و برخورد‌های فیزیکی، یعنی ضرب بالید که موجب جرح نشود، جزو مراتب نهی از منکر است یا خیر، که در این مورد، شیخ الطائفة رحمته‌الله در نهایه و



بعضی دیگر، جزو منکران آن هستند که به نظر اینجانب، هم اقوی است و بعض دیگر از فقها و محققان قایل اند که جزو مراتب است؛ یعنی در مرتبه چهارم قرار دارد؛ ولی به هر حال، به نظر قایلان به جواز هم همه آنها جواز را مشروط به عدم فساد و هرج و مرج و کریه شدن چهره اسلام و بدبین شدن به اسلام و مسلمین می‌دانند و ظاهراً در جامعه باز امروز و ارتباطات وسیع، ضرب و برخورد فیزیکی، اگر مطمئناً مستلزم همه آن تبعات و مفسد و یا بعضی از آنها نباشد، احتمالش وجود دارد و همان احتمال هم برای اهمیت محتمل سبب عدم جواز و حرمت نهی از منکر به مرتبه ایذا و ضرب و هتک افراد است؛ و ناگفته نماند که برخورد فیزیکی با منکر به وسیله حکومت و قانون (یعنی قانون مصوب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حدود و ثغور و مجریان آن را معین نماید) به فتوای همه فقها جایز است و قطعاً در تصویب قانون، نمایندگان محترم، رعایت همه جهات و جوانب را می‌نمایند. بنابراین، همه آنچه مرقوم شد، مربوط به غیر از برخورد قانونی و مصوب مجلس شورای اسلامی است.

﴿س ۱۷۳﴾ امر به معروف و نهی از منکر به چه صورت باید انجام شود؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی واجب است که شرایط آن فراهم باشد و شرایط امر به معروف و نهی از منکر از این قراراند: ۱ - بدانند آنچه شخص مکلف به جا

نمی‌آورد، واجب است که به جا بیاورد و آنچه به جا می‌آورد، باید ترک کند، یعنی معروف و منکر را بشناسد؛ ۲- احتمال تأثیر بدهد؛ ۳- بداند شخص معصیت‌کار بنا دارد معصیت خود را تکرار نماید؛ ۴- امر به معروف و نهی از منکر، مفسده‌ای نداشته باشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد، واجب نیست و به هر حال، نهی از منکر و امر به معروف، به زیادتر از مثل قطع رابطه و نصیحت برای غیر حکومت و بدون قانون مصوب در شرایط فعلی، مسلماً جایز نیست.

﴿س ۱۷۴﴾ در زمان حاضر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، وظیفه مقلدین نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط، واجب است. ۷۴/۱۱/۸

﴿س ۱۷۵﴾ وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسائل خلاف شرع - مثل فساد اخلاق و بدحجابی که در جامعه گسترش یافته است - با در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر به معروف حاصل نیست، چیست؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط، واجب است. ۷۵/۲/۱

﴿س ۱۷۶﴾ آیا ترک امر به معروف و نهی از منکر به علت ترس از اخراج از دانشگاه - با اینکه می‌بیند یکی از مسئولین که با طبقه جوان در دانشگاه ارتباط دارد، مرتکب اعمال خلاف شرع می‌شود و یا زمینه ارتکاب گناه در

آن مکان را فراهم می‌آورد - جایز است؟

ج - از جمله شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که در امر و نهی مفسده مهم‌تری وجود نداشته باشد. پس اگر بداند یا گمان یا احتمال صحیح عقلایی دهد که با امر و نهی او زیان جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجهی به او یا خویشان یا نزدیکان او و یا به عده‌ای از مؤمنین می‌رسد، امر و نهی واجب نیست، بلکه در بسیاری موارد، حرام است.

۸۶/۹/۳

﴿س ۱۷۷﴾ گاهی مشاهده می‌شود که دانشجویی مرتکب فعل حرام می‌شود و با وجود تذکرات و راهنمایی‌های مکرر، نه تنها دست از منکر خود برنمی‌دارد، بلکه بر انجام کارهای زشت - که باعث ایجاد جو فساد در دانشگاه است - اصرار می‌ورزد. نظر جناب عالی درباره اعمال بعضی مجازات‌های اداری مؤثر، مثل ثبت در پرونده آنها چیست؟ همچنین وظیفه ما دانشجویان در برابر مفسدی که در دانشگاه‌های مختلط دیده می‌شود چیست؟

ج - به طور کلی نصیحت و ارشاد و جلوگیری کردن و نهی نمودن طرف در این گونه اعمال تا جایی که موجب مفسده و هرج و مرج و ضرب و شتم طرف نشود و ضرری برای شخص مسلمان نداشته باشد، وظیفه است؛ ولی اگر باعث هرج و مرج و یا مفسده و یا خدای ناخواسته، منجر به قتل طرف گردد، حرام و غیر جایز است و نهی کننده مسئول است. کما اینکه با احتمال ضرر برای مسلمان جلوگیری

کننده نیز، نهی واجب نیست. ۷۷/۱/۱۷  
 ﴿س ۱۷۸﴾ گاهی مجالس جشنی از طرف دانشگاههای کشورهای بیگانه برگزار می‌شود. و از قبل معلوم است که مشروبات الکلی در آن مجالس وجود دارد، تکلیف شرعی دانشجویان مسلمانی که قصد شرکت در این مجالس را دارند، چیست؟

ج - به طور کلی سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود، بنا بر احتیاط واجب نباید بنشیند و چیز خوردن از آن سفره حرام است.

#### مسائل متفرقة دانشجویان

﴿س ۱۷۹﴾ ادامه تحصیل در دانشگاه، با توجه به اینکه بعضی از موارد درسی نکاتی انحرافی یا خلاف شرع دارد، یا اینکه بعضی اساتید، نکات انحرافی را تعلیم می‌دهند، آیا جایز است یا خیر؟

ج - تحصیل و فراگیری علوم، مانعی ندارد؛ و در مقابل مسائل انحرافی، نهی از منکر با شرایط شرعی، چنانکه در رساله عملیه آمده، لازم است. ۷۵/۱۰/۳

﴿س ۱۸۰﴾ در دوران تحصیل نذر کرده بودم پس از فارغ‌التحصیل شدن و اشتغال به کار، یک پنجم از حقوق ماهیانه‌ام را صرف امور خیریه نمایم (البته نوع امور خیریه را مشخص نکرده بودم) اما یک ترم قبل از فارغ‌التحصیلی و قبل از اشتغال، از نذر خود عدول نمودم و علت آن نیز تورّم اقتصادی بود که امکان ادای چنین نذری برایم مشکل ساز بود. حال با توجه به این موضوع، اولاً آیا عدول از نذر مذکور جایز بوده یا خیر؟

ثانیاً در صورت الزام وفای به نذر آیا اختصاص مقداری از نذر مذکور به برادر و خواهر دانشجوییم که خود تمکن مالی ندارند، جایز است؟

ج - اگر زمان فارغ التحصیل شدن، توان پرداخت یک پنجم از حقوق ماهیانه را ندارید، نذر شما از اول به علت عدم قدرت در زمان فعلیت، نذر غیر صحیح می باشد و لزوم وفا ندارد، و در این جهت فرقی بین کل منذور و یا بعضی از آن نیست؛ بنابراین، اگر صیغه نذر نخوانده اید (یعنی صیغه مخصوص نذر) و فقط گفته اید نذر کردم، نذر محقق نشده است؛ ولی اگر صیغه نذر خوانده اید، تا زمانی که قدرت دارید و می خواهید به نحو یاد شده در سؤال عمل نمایید - یعنی کمک به خویشان دانشجو - عمل به نذر محقق می شود، حتی اگر همه یک پنجم را به آنها بپردازید.

۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۱۸۱﴾ در بعضی از کشورهای خارجی، در صورتی که دانشجویان خارجی درخواست کنند که تابعیت اصلی آنان به تابعیت آن کشور تغییر کند، دانشجو از همه مزایا و امتیازاتی که هنگام تحصیل به دانشجویان آنجا داده می شود، برخوردار می شوند، و بر اساس قوانین آن دولت، فرد می تواند تابعیت خود را تغییر دهد و دوباره به تابعیت اصلی که قبلاً داشته است برگردد، حکم شرعی این موضوع چیست؟

ج - اگر تحت تأثیر افکار و عقاید باطل قرار نگیرند، فی حدّ نفسه مانعی ندارد و تشخیص موضوع، تابع نظر خود مکلف است.

۸۶/۹/۳

﴿س ۱۸۲﴾ اینجانب در یکی از امتحانات ورودی برای گرفتن مدرک و استخدام در یک اداره، کتاب را در جلسه امتحان باز کرده و از روی آن چیزی نوشته‌ام و مراقب هم چیزی نگفته است و معلوم نیست آن چه که نوشته‌ام در قبولی‌ام تأثیر خاص داشته باشد، سپس با همان مدرک، استخدام شده‌ام و اکنون هم مشغول کار می‌باشم و از آن کار هم سخت پشیمان و ناراحت هستم. حال سؤال من این است با توجه به این عملی که از من سر زده است، آیا این حقوقی که می‌گیرم حلال است یا خیر؟

ج = در صورتی که ارتقاء و رتبه و اخذ مدرک، منحصر به همان تقلب بوده و از لحاظ تخصصی تأثیری بر شغل فعلی داشته باشد، گرفتن نمره و رسیدن به پست بالا با تقلب، حرام و اجرت مأخوذه بر این مدرک هم حرام است، لیکن چون ظاهر سؤال، عدم تأثیر در شغل فعلی است نمی‌توان گفت حرام است و خود را از وسوسه دور نمایند که وسوسه از شیطان است و ان شاء الله خداوند غفور و مهربان از اعمال گذشته که دنبالش پشیمانی است می‌گذرد و عفو می‌نماید.

## فصل پنجم

### احکام و مسائل معلّمین و اساتید

#### احکام و مسائل نماز و روزه

﴿س ۱۸۳﴾ تکلیف نماز و روزه معلّمانی که در هر هفته، سه یا چهار روز در محدوده سی کیلومتری تدریس دارند، چیست؟

ج - چون کثیرالسفرند، نماز و روزه آنها تمام و صحیح است؛ مگر اینکه ده روز در جایی بمانند که با این فرض، در سفر اول، نماز آنها شکسته، و در سفرهای بعدی تمام است.

۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۸۴﴾ معلّمانی که در محلّ کار خود، نماز را کامل می خوانند و محلّ کار برایشان حکم وطن را دارد، آیا از محل کار می توانند به فاصله کمتر از ۲۴ کیلومتر مسافرت نمایند و نمازشان کامل باشد، یا اینکه فقط در محلّ کار، نمازشان کامل است؟

ج - نماز در محلّ مسکونی ای که بناست مدّتی در آنجا

بمانند، مانند طلاب حوزه‌های علمیه و یا دانشجویان و یا  
مأموران به خدمت از طرف دولت یا غیر آنها، تمام است، و  
روزه هم باید بگیرند؛ چون این‌گونه محل‌های مسکونی، در  
حکم وطن است و نسبت به محل‌های تدریس که فاصله  
آنها کمتر از حد مسافت به محل مسکونی است، نماز نیز  
تمام است و روزه باید گرفته شود؛ به علاوه که اگر به قدر  
مسافت هم باشد، چون مسافت به آن جاها زیاد است، به  
حکم کثیرالسفر، نمازشان تمام است و روزه هم گرفته  
می‌شود. بنا بر آنچه گفته شد، در تمام چهار مورد ذکر شده،  
نماز تمام است و روزه گرفته می‌شود و حکم سفر، مترتب  
نیست. ۷۸/۱۰/۲۶

﴿س ۱۸۵﴾ دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان می‌باشم. با توجه به  
پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت تحصیلی آموزش و  
پرورش، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل  
دارم و بقیه ایام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم. نظر حضرت  
عالی در مورد احکام نماز و روزه اینجانب چه می‌باشد؟

ج - «کثیرالسفر» کسی است که زیاد مسافرت می‌کند؛ به  
گونه‌ای که حداقل قبل از ده روز، یک مسافرت شرعی  
داشته باشد. چنین کسی اگر ده روز در جایی بماند، در سفر  
اول نمازش شکسته و در سفر دوم، تمام است. بنابراین در  
فرض سؤال، شما کثیرالسفر بوده و در تمام مسافرت‌ها اعم از  
شغلی و تحصیلی و تفریحی و... نمازتان تمام و روزه شما



شرکت معلمان در مراسم افطاری که از اموال دانش آموزان تهیه می شود

﴿س ۱۸۶﴾ طرح افطاری آموزش و پرورش به این صورت است که مدیران مدارس، مبلغی پول یا مقداری برنج تعیین می کنند که دانش آموزان به مدارس بیاورند تا در یک شب ماه مبارک رمضان به دانش آموزان، افطاری بدهند. مدیر مدرسه، معلمان را هم دعوت می کند تا مراسم افطاری را به کمک آنها به پایان برسانند. هم چنین در اردوهای دانش آموزان، تعدادی از معلمان به عنوان همراه و سرپرست در این اردو شرکت می کنند و از ناهاری که از پول دانش آموزان تهیه شده است، به معلمان هم داده می شود. خوردن این غذاها برای آنها چه حکمی دارد؟

ج - اگر ظاهر حال، دال بر رضایت کسانی است که پول را برای افطاری یا اردو داده اند، مانعی ندارد که معمولاً هم چنین است؛ یعنی کسی که پول را برای افطاری یا اردوی بچه ها می دهد، اگر به او گفته شود که آیا معلمان هم مثلاً می توانند از این افطاری و غذای اردو بخورند و استفاده نمایند، استقبال می کند و خود این استقبال تقدیری، برای جواز کفایت می کند.

۷۷/۲/۶

﴿س ۱۸۷﴾ آیا معلمان می توانند معتکف شوند و به موقع سرکلاس روند

و سپس به مسجد برگردند؟

۸۲/۵/۸

ج - خیر نمی توانند.

احکام و مسائل خمس

﴿س ۱۸۸﴾ بنده معلّم هستم و مقداری از حقوق خود را به منظور تهیّه خانه و لوازم مورد نیاز زندگی، پس انداز می‌کنم. آیا به این پول، خمس تعلق می‌گیرد؟ اجناسی که برای ازدواج تهیّه می‌کنم و در طول سال مورد استفاده نیست، چطور؟

ج - این گونه پول‌ها که برای تهیّه خانه و لوازم آن، به طور جبر و الزام کنار گذاشته می‌شود، ظاهراً متعلق خمس نیست و در حکم مئونه است. ۷۴/۲/۲۳

﴿س ۱۸۹﴾ گاهی به افراد، مبلغی عیدی، تشویقی یا هدیه پرداخت می‌شود. اگر فرد قناعت کند و سال خمسی اش برسد، چه حکمی دارد؟  
ج - خمس به هبه، هدیه و عیدی تعلق نمی‌گیرد؛ اما تشویقی که به حساب کار است، جزو ارباح مکاسب است و اگر اضافه بر مئونه سال باشد، خمس به آن تعلق می‌گیرد. ۷۴/۳/۱۱

﴿س ۱۹۰﴾ فردی که در ادارات و مؤسسات دولتی استخدام می‌شود، از موقعی که حقوق به او پرداخت می‌شود، اداره یا مؤسسه مربوط، مبلغی از حقوقش را به عنوان بازنشستگی کسر می‌کند و موقعی که بازنشسته شد، هرماه، مقداری از مبلغ مذکور را به او می‌پردازند. آیا این مبلغ را که از حقوق او کسر کرده‌اند و بعد از بازنشستگی به او می‌پردازند، خمس دارد یا خیر؟ بر فرض وجوب خمس، آیا وجوب تخمیس آن، فوری است یا اینکه جزو منافع سالی است که به او پرداخت می‌شود؟

ج - جزو منافع سالی است که به او داده می‌شود. ۷۴/۱۰/۲۲  
﴿س ۱۹۱﴾ آیا کسانی که حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند (مانند معلّمان) باید برای هر حقوق یکسال خمسی قرار دهند؟ مثلاً اگر حقوق فروردین ماه آنها تا فروردین سال آینده خرج نشد، آیا باید خمس آن را بپردازند، و همین‌طور بقیه ماهها، و یا فقط یک سال خمسی قرار دهند؟

ج - نمی‌توانند، چون همه آنها یک قسم درآمد است.  
۸۰/۵/۲۹

﴿س ۱۹۲﴾ در صندوق ذخیره فرهنگیان، ماهانه پنج درصد از حقوق معلّمین و کارمندان کسر می‌شود و دولت هم به همین مقدار اضافه می‌نماید. و این صندوق، فعالیت‌های اقتصادی داشته و سود آن نیز به این مبلغ افزوده می‌شود و در پایان مدّت خدمت، کلیه پول و سود ده ساله یا بیشتر را به معلّم و کارمند پرداخت می‌کنند. این پول و سود آن از نظر خمس چگونه است؟

ج - چنین پول‌هایی که قبلاً در اختیار نبوده، تا فایده محسوب گردد، جزو درآمد سال وصول است و چون فایده‌ای است که در مقطعی خاص و به نحوه‌ای خاص به دست آمده، می‌توان خمسش را تا سال آینده در همان زمان محاسبه کرد؛ یعنی اگر تا سال آینده در همان زمان، خرج زندگی نشد، خمس دارد، یا اینکه می‌تواند مانند بقیه درآمدهای پیش از سال خمسی محسوب نماید. ۸۶/۹/۲

﴿س ۱۹۳﴾ آیا به حقوق بازنشستگی معلّمین خمس تعلق می‌گیرد؟  
ج - حقوق بازنشستگی، مانند بقیه درآمدهاست که اگر

مازاد بر مخارج باشد، خمس دارد. ۷۶/۱۰/۲۴

﴿س ۱۹۴﴾ شروع سال خمس من اول شهریور است. معمولاً امتحانات مدارس در اردیبهشت و خرداد برگزار می‌شود و بعد از شش ماه، اجرت اضافه کاری ما در ایام امتحانات پرداخت می‌شود. خواهشمندم توضیح بفرمایید که اگر اجرت کاری را که قبل از پایان سال خمسی انجام داده‌ام، بعد از پایان سال دریافت کنم، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - اجرت همه سال‌ها که در سال آخر به او داده می‌شود، جزو منافع سالی است که به او پرداخت می‌گردد. پس اگر از مخارج آن سال زیاد بیاید، متعلق خمس است نه سال‌های قبل که در اختیارش نبوده تا غنیمت محسوب گردد. ۷۷/۱۱/۷

﴿س ۱۹۵﴾ کارمندی که از مأموریت آموزشی استفاده می‌کند، روال چنین است که باید ابتدا هزینه تحصیل خود را بپردازد و پس از اتمام دوره با ارائه کارنامه قبولی، هزینه تحصیل را سازمان پرداخت کند. سؤال این است که اگر بعد از سال خمسی، سازمان مبالغ را به حساب فرد واریز کند، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - زمانی که به حساب او واریز شد، جزو درآمدش محسوب می‌شود. ۷۷/۸/۱۵

#### احکام و مسائل شغلی معلمان و اساتید

﴿س ۱۹۶﴾ اگر معلمی سر کلاس حاضر نشود و همکار دیگری را به جای خود بفرستد، آیا حق استفاده از حقوق را دارد. اگر چنانچه از این کار

به دانش‌آموزان خسارتی وارد شود و معلم جایگزین نتواند کار معلم اصلی را انجام دهد، ضامن خسارت وارده بر آنها کیست؟

ج - تابع قانون و مقررات است و بر فرض وارد آمدن خسارت، معلم متخلف ضامن خسارتهای مادی و معنوی می‌باشد. ۸۶/۹/۲

﴿س ۱۹۷﴾ در برخی از مراکز تعلیم و تربیت، مشاهده می‌شود که معلم یا مدیری که کارمند یکی از بخش‌های اداری است با موافقت مسئول اداری مستقیم خود، در ساعات رسمی کارش مبادرت به تدریس در مدارس دیگری می‌کند و علاوه بر حقوق ماهانه خود، اجرت این تدریس را هم دریافت می‌کند، این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج - تابع قانون و مقررات است، اما ظاهراً در زمان اداری اگر غیر از کاری باشد که برای آن استخدام شده با فرض عدم مزاحمت با وظیفه اداری، مانعی ندارد. ۸۶/۹/۱۰

﴿س ۱۹۸﴾ تعدادی از معلمان در ساعات کار و تدریس موظف، به فعالیت‌های جنبی دیگر مثل بافتنی، خواندن روزنامه و مجلات غیر مربوط به درس و تدریس، می‌پردازند، این مسأله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج - تابع قوانین و مقررات آموزشگاه می‌باشد، اما جواب کلی شرعی از جواب بالا معلوم شد. ۸۶/۹/۶

﴿س ۱۹۹﴾ در برخی اوقات به موجب قانون، انجام خدمت معلمان در مدارس مجوز قانونی ندارد؛ اما تعدادی از معلمان با علم به غیر قانونی بودن این عمل، با هماهنگی مدیران مدارس، به خدمت به صورت اضافه

کار و حق التدریس می‌پردازند، ولی حق الزحمهٔ چنین معلمان را به نام افراد دیگر که خدمت آنان منع قانونی ندارد، ثبت کرده و سپس جمع مبلغ را به شخصی که مشکل قانونی داشته پرداخت می‌کنند. اولاً حکم این امر چگونه است؟ و ثانیاً هر یک از افراد فوق (معلمان و مدیران) که اجازهٔ استفاده از نام خود را برای پرداخت حقوق به دیگران می‌دهند، چه تکلیفی دارند؟

ج - تابع قانون و مقررات است و بر فرض اینکه خلاف قانون مصوب باشد، جایز نمی‌باشد. ۸۶/۹/۵

#### احکام و مسائل متفرقه معلمان و اساتید

﴿س ۲۰۰﴾ در صورتی که مرد با رفتن همسرش به دانشگاه، اداره و یا هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - وظیفهٔ زن، تبعیت از زوج است؛ مگر اینکه در ضمن عقد، خلاف آن را شرط نموده باشند. یا عقد مبنیاً بر آن شرط، منعقد شده باشد. آری، اگر جلوگیری‌های شوهر به حدی است که باعث حرج و مشقت غیر قابل تحمل باشد، به مقدار رفع حرج و ضرورت، جایز است؛ چرا که «الضرورات تبيح المحظورات»<sup>۱</sup>. ۷۵/۱۱/۶

﴿س ۲۰۱﴾ خانمی تصور می‌کند که چون استقلال مالی دارد و حقوق بگیر است و طبعاً در هفته چند روز تدریس دارد، بنابراین نیازی به

۱. ضرورتها، محظورات و ممنوعیتها را مجاز می‌سازد (که در هنگام ضرورت ممنوعیت مربوط برداشته می‌شود).

کسب اجازه از شوهر ندارد و به همین جهت، اگر فرضاً، بخواهد منزل پدر، خواهر، برادر و یا هر جای دیگر برود، نیازی به مجوز و رضایت شوهر ندارد. به اعتقاد ایشان حکم بانوانی که شاغل اند با خانم‌هایی که خانه‌دار هستند، فرق می‌کند و در هیچ موردی اجازه و یا رضایت شوهر برایش ملاک نیست. لطفاً نظر فقهی خود را در این مورد بیان فرمایید؟

ج - در وجوب تمکین برای زوجه، فرق بین شاغل و غیر شاغل نیست، و زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر در مواردی که مانع استمتاع و یا خلاف شئون خانوادگی مرد و یا خلاف سکن و آرامش باشد، از خانه بیرون رود.

﴿س ۲۰۲﴾ آرایش کردن بانوان در بیرون از خانه یا در سرکار و درس، چه حکمی دارد؟

ج - حرمت و عدم حرمت، دایر مدار فساد و عدم آن است، و وجوب پوشاندن صورت بر زن - که محل اختلاف است - صورت آرایش نشده می‌باشد.

﴿س ۲۰۳﴾ اگر معلمی در تصحیح اوراق امتحانی، سهل‌انگاری نماید و یا مسئولان مدرسه در انتقال نمرات او سهل‌انگاری نمایند و بر اثر آن، دانش‌آموزی مردود گردد، آیا معلم یا مسئول مربوط، نسبت به خسارات مادی و معنوی دانش‌آموزان در طول یک سال عقب ماندگی، ضمانتی دارد یا نه؟

ج - هر ضرری، چه به جان و چه به مال و چه به شخصیت و معنویت، از هر راهی، حتی با سهل‌انگاری در تصحیح

اوراق، موجب لزوم جبران و ضمان است؛ منتها کیفیت جبران در بعضی از معنویات به جبران مالی است و در برخی از آنها به نحو دیگر. باید دید عقلاً و کسی که ضرر دیده، به چه امری حاضر است تا جبران شود. ۷۹/۷/۱۹

﴿س ۲۰۴﴾ اساتید و معلمان که به استخدام دولت درآمده‌اند و دروسی چون فقه، قرآن و دینی تدریس می‌کنند و قسمت‌های زیادی از واجبات شرعی را که در این درس‌هاست تدریس می‌کنند، حقوق گرفتن آنها چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد؛ چون اولاً اجرت تدریس درس‌ها در آنجا مطرح است و ثانیاً نمی‌توان اجرت بر واجبات غیر تعبّدی را حرام دانست. ۷۵/۱۰/۴

#### تنبیه بدنی دانش‌آموزان

﴿س ۲۰۵﴾ آیا تنبیه دانش‌آموزان در مدارس جایز است؟

ج - تنبیه تابع اجازه اولیای شرعی و مقرّرات آموزش و پرورش است، آن هم به مقدار بسیار ناچیز. به هر حال اگر همه شرایط هم محقق شود، که معمولاً تحقق نمی‌یابد، اجتناب از تنبیه بدنی لازم است، مبدا انسان گرفتار عواقب وخیم آن بشود. ۷۵/۱۲/۲۰

﴿س ۲۰۶﴾ آیا ولی یا معلم بچه مجاز به تنبیه اوست؟ مورد و مقدار زدن، تا چه حدودی است و حکم آموزگارانی که شاگردان خود را سر کلاس زده‌اند، به طوری که دیه واجب شده و مدیون هستند و قادر به پرداخت دیه



نیستند، چگونه است؟

ج - نباید کودک را مورد ضرب و اذیت قرار داد و تأدیب و تعلیم باید با غیر از چنین اعمالی انجام گیرد. به هر حال، دیه که به عهدهٔ انسان آمده، دینی است مانند بقیهٔ دیون که باید پرداخت شود و عسر، سبب سقوط آن نمی‌گردد. ۷۶/۱/۱۸

﴿س ۲۰۷﴾ در موقع ازدواج، مرد با اشتغال خارج از منزل همسرش که معلّم است، موافقت کرده و متعهد شده که مانع از ادامهٔ کار همسرش نشود و حال بعد از گذشت چند سال از زندگی و اشتغال همسرش در این مدت، شوهر مانع از ادامهٔ کار همسرش است و زن تقاضای طلاق خود را به علّت تخلف شوهرش از شرط، به دادگاه تقدیم نموده است. با توجه به این‌که ضمانتی برای تخلف نکردن از این گونه شرط‌ها در سند ازدواج نیامده، آیا این خواستهٔ زن برای طلاق و جدایی از شوهر برای دادگاه قابل قبول هست؟

ج - تخلف از شرط در عقد نکاح، موجب حق فسخ نیست. آری، بر محکمهٔ شرعیّه است که متخلف را وادار به عمل به شرط نماید؛ همچنانکه متخلف، ضامن خسارت‌های وارده به طرف در موارد سببیت و دخالت تامّه در آن ضررها و اقوائیت سبب از مباشر است. ۷۷/۱/۱۸

﴿س ۲۰۸﴾ مردی به این شرط با کار کردن همسرش موافقت کرده که بخشی از مخارج زندگی را خودش بپردازد. آیا چنین شرطی صحیح است؟ و آیا زن با صرف بخشی از درآمد خود که شرط شده، مالک بقیهٔ درآمد هست یا خیر؟ مثلاً می‌تواند به رجم فقیر بپردازد یا

کمکی به نزدیکان فقیر خود بنماید یا رضایت شوهر در خرج درآمد،  
ضرورت دارد؟

ج - نفقهٔ زوجهٔ دایم، به عهدهٔ زوج است و شرط پرداخت  
نصف هزینهٔ زندگی از طرف زن، اگر در ضمن عقد نکاح یا  
عقد لازم دیگر شرط شده باشد، لازم الوفاست؛ لیکن مانع از  
مالکیت زن نسبت به درآمدش نمی‌شود؛ همچنانکه نسبت  
به آنچه شرط نشده، یعنی نصف دیگر، در اختیارش است و  
مالک است و هر مالکی بر مال خود، مسلط است و می‌تواند  
هر نوع تصرفی بنماید، که «النَّاسُ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» و  
احسان و کمک به دیگران، مخصوصاً ارحام، از همه کس  
مطلوب و مستحب است و تصرف زن در اموال خودش، نیاز  
به اجازهٔ شوهر ندارد. ۷۸/۱۲۷

﴿س ۲۰۹﴾ در مورد به کار بردن حرف‌های نابه‌جا از جانب دبیران  
نسبت به دانش‌آموزان چگونه باید برخورد کرد؟

ج - شئون شخصیت یک دبیر ایجاب می‌کند که از  
حرف‌های نامناسب و رکیک پرهیزد، و اگر دبیری خدای  
ناکرده عالماً و عامداً و یا غیر عمد از زدن چنین حرف‌هایی  
ابا ندارد، دفعهٔ اول و دوم او را نصیحت نمایید و اگر تأثیر  
نکرد و مناسب و لازم دانستید، به مقامات مسئول گزارش  
دهید؛ چون اخلاق معلّم در شاگردان بی‌تأثیر  
نیست. ۷۲/۱۰/۱۴

﴿س ۲۱۰﴾ اگر مدرسان معتقد در دسترس نباشند، آیا برای تحصیل

دانش فیلم‌سازی یا رشته‌های دیگر - که در کشور ما متخصص در آن رشته‌ها کم است - می‌توان از مدرّسان ضعیف‌الاعتقاد استفاده کرد؟

ج - ارتباط با انسان‌ها چه مسلم و چه غیر مسلم به انواع ذکر شده در سؤال، فی حدّ نفسه مانعی ندارد؛ اما اگر احتمال تأثیر عقاید باطل و غیر اسلامی آنها در کار باشد، به خاطر احتمال فساد عقیده، ترک ارتباط با آنها لازم و واجب است.

۸۶/۹/۵

﴿س ۲۱۱﴾ با توجّه به اینکه در وظیفه قانونی معلّم یک مدرسه ذکر نشده که ناظر بر کار مدیرش باشد و به او بگوید که فلان کار شما غلط یا درست است، یا خلاف قانون عمل می‌کنید، آیا معلّمی که می‌بیند مدیرش خلاف قانون عمل می‌کند، باید به مافوق مدیرش اطلاع بدهد؟ با توجّه به اینکه خود مدیر از طرف مافوق منصوب شده است و مورد یقین است که ترتیب اثری به شکایت آن معلّم نمی‌دهند، آیا باز معلّم مذکور وظیفه دارد که به نهی از منکر خود، ادامه دهد؟

ج - وظیفه ندارد؛ چون گفتنش قطع نظر از جهات دیگر، به خاطر بی‌اثر بودن نهی از منکر، جلوگیری از خلاف نیست.

۷۶/۸/۱۸

#### ارفاق نمره

﴿س ۲۱۲﴾ آیا نمره دادن به دانش‌آموزان، تحت عناوینی چون رضای خدا و یا به خاطر آشنایی، جایز است؟ آیا مصداق ظلم بر این عمل صدق نمی‌کند؟

ج - اگر باعث تضییع حقوق دیگران بشود و یا دارای صلاحیت علمی نباشند، قطعاً نادرست و حرام است. ۸۶/۹/۳

﴿س ۲۱۳﴾ من دبیر دبیرستان هستم. گاهی اتفاق می افتد که در امتحان آخر سال، دانش آموزی در درس من، برای قبول شدن محتاج یک یا دو نمره می شود؛ اما هنگامی که ورقه او را تجدید نظر می کنم هیچ جایی برای اضافه کردن نمره به جواب های او وجود ندارد، مگر اینکه خودم به جواب های ورقه او، به میزان نیاز به آن نمره، اضافه کنم و در واقع به ورقه امتحانی او دست ببرم. با توجه به اینکه عمر انسان بسیار ارزش دارد و بعضاً این دانش آموزان از خانواده های فقیر می باشند و اگر مردود شوند، اثرات منفی در روحيات و زندگي آنها ایجاد می شود و معلّم تشخیص می دهد که اگر این میزان نمره را به او بدهد، نتیجه مثبتی در زندگي و روحيات او دارد، آیا این کار جایز است؟

ج - اگر باعث تضییع حقوق دیگران بشود و یا دارای صلاحیت علمی نباشد، قطعاً نادرست و حرام است؛ و اما با فرض صلاحیت علمی و عدم تضییع حقوق دیگران و با توجه به اینکه این کار باعث نتیجه مثبتی در زندگي و روحيات دانش آموز می گردد با رعایت مقرّرات نمی توان گفت حرام است.

۸۸/۲/۲۰

## فصل ششم

### احکام مدارس

#### احکام مدارس

﴿س ۲۱۴﴾ با عنایت به جایگاه مهم مراکز آموزش عالی و پژوهشی در دنیای امروز، در راستای ایفای رسالت تعلیم و تربیت و با توجه به نیاز مبرم این مراکز به کمک‌های مردمی و نظر به اهمیت سنت حسنه وقف، استدعا دارد نظر شریفتان را نسبت به وقف برای بهره‌مندی، این مراکز مرقوم فرمایید.

ج - وقف برای دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقی و تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی، نه تنها یک سنت حسنه و روش نیکوست، بلکه چون در راستای حفظ و تقویت و عزت و سربلندی علمی کشور است، از فضیلت و استحباب بالا و اجر عظیم برخوردار است.

۷۴/۴/۱۴

﴿س ۲۱۵﴾ مدرسه‌ای توسط فرد خیریه بنا شده و به عنوان دبستان وقف گردیده است. متولّی منصوص، پس از چند سال کلیه حقوق این مدرسه (اعم از ساختمانی، آموزشی و غیره) را به آموزش و پرورش واگذار کرده است. اکنون با توجه به اینکه مدرسه‌ای در مجاورت آن ساخته شده و به عنوان دبستان دخترانه است، ولی در آن محل دبیرستان دخترانه نیست. آیا آموزش و پرورش می‌تواند آن مدرسه قبلی را که به عنوان دبستان وقف شده بوده است، به دبیرستان تبدیل کند؟

ج - ظاهراً این گونه وقف‌ها که وقف مشروط است و شرطش به خاطر بی‌فایده بودن نمی‌تواند تحقق پیدا کند، مورد وقف به ملکیت مالک و واقف برمی‌گردد. و چه نیکوست که برای رعایت احتیاط، او هم آن مورد وقف را در کارهای شبیه به غرض قبلی در وقف، وقف نماید. ۸۶/۹/۵  
﴿س ۲۱۶﴾ مقداری از زمین مدرسه‌ای را جزء مسجدی قرار داده‌اند. آیا باید این قسمت تخریب شود و به مدرسه واگذار گردد و یا اینکه چون ساخته‌اند اشکالی ندارد؟

ج - در صورت وقف بودن زمین مذکور، باید از متولّی وقف اجاره نمود و بعد از اجاره، تصرف و نماز خواندن در آن، مانند همه زمین‌های موقوفه که برای ساختمان اجاره داده می‌شود، مانعی ندارد. ۷۵/۸/۱۷

﴿س ۲۱۷﴾ آیا در اتاق‌های مربوط به مسجد، دایر کردن کلاس‌های آموزشی علوم جدید توسط معلّمین و مربّیان مسلمان و مؤمن با رعایت شئون مسجد جایز است یا نه؟

ج - انجام هر کار خیری در مسجد که مزاحم نماز و نمازگزاران نباشد، مانعی ندارد؛ لیکن رعایت جلب نظر و رضایت امام جماعت محل، لازم است. ۷۴/۴/۱۸

﴿س ۲۱۸﴾ اگر شخصی مقداری از حقوق شرعی و سهم امام علیه السلام و چیزهایی را که صرف آن در مصارف شرعی باید با اجازه مراجع باشد، در امر ساختمان مدرسه و... مصرف کند، آیا شرعاً حق دارد، آنچه را که به عنوان ادای حقوق شرعی، پرداخته است، پس بگیرد؟ یا زمین آن را پس بگیرد و یا اقدام به فروش ساختمان آن مؤسسه یا مدرسه نماید؟

ج - اگر با اجازه مرجع تقلید در مورد اجازه، مصرف نموده باشد، حقّ پس گرفتن آن را ندارد. ۸۶/۹/۳

﴿س ۲۱۹﴾ زمینی برای ساختن مدرسه به آموزش و پرورش هدیه کردم، ولی بعد از مشورت و اطلاع از اینکه با پول آن زمین می توان چندین مدرسه در محله های دیگر شهر ساخت، برای پس گرفتن آن زمین اقدام کردم. آیا این کار برای من جایز است؟

ج - اگر کسی چیزی را به غیر ذی رَحْم هبه کند، در صورتی که هبه قربةً الی الله نبوده، یا در مقابلش عوض نگرفته باشد، ولو اندک و عین موهوب نیز باقی باشد و موهوبُ له در چیزی که به او هبه شده تصرّفی که آن را تغییر بدهد نکرده باشد، هبه کننده می تواند به هبه خود رجوع کند و عین چیزی را که هبه نموده، از شخص پس بگیرد. ۸۶/۹/۵

﴿س ۲۲۰﴾ وزارت آموزش و پرورش، قسمتی از یک قبرستان نسبتاً قدیمی را بدون کسب موافقت اهالی، برای ساخت مدرسه، تصرف کرده و

مدرسه‌ای را در آن ساخته است که دانش‌آموزان در آن نماز می‌خوانند.  
این کار چه حکمی دارد؟

ج - تصرف در قبرستان‌های متروکه که معلوم نیست وقف قبرستان بوده یا زمین موات (با توجه به اینکه غالباً قبرستان‌های قدیمی و متروکه، از قسم دوم است) مانعی ندارد. مخصوصاً بعد از آنکه ساختمان و بنا در آن به وجود آمده و مسأله نبش حل شده است و نماز هم مانند بقیه تصرفات جایز و درست است.  
۸۶/۹/۵

استفاده از وجوه شرعی برای مدرسه‌سازی

﴿س ۲۲۱﴾ استفاده از فطرّیه، جهت مصارف آموزشگاههای دولتی (با توجه به مشکلات و کمبودهای مالی مدارس، و در صورت تمایل اولیای دانش‌آموزان) چه حکمی دارد؟

ج - زکات فطره را مانند زکات مال در هر کار خیر و عام‌المنفعه‌ای می‌توان مصرف کرد، و مورد سؤال هم از آنهاست؛ ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرا و شیعه داده شود.  
۷۳/۱۱/۱۹

﴿س ۲۲۲﴾ آیا مردم یک روستا که فاقد مدارس ابتدایی و راهنمایی هستند، می‌توانند زکات مال خود را برای ساخت مدرسه هزینه کنند؟

ج - به طور کلی از جمله موارد مصرف زکات، فی سبیل الله است؛ یعنی خرج کردن در کاری که منفعت عمومی دینی دارد یا نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد، و آنچه برای



اسلام نفع داشته باشد، به هر نحو که باشد. ۸۶/۹/۵

﴿س ۲۲۳﴾ آیا از زکات فطره می‌توان یک دستگاه تکثیر (پلی‌کپی) برای

مدرسه یک روستا تهیه کرد؟

ج - زکات فطره را مانند زکات مال در هر کار خیر و

عام‌المنفعه‌ای می‌توان مصرف کرد، و مورد سؤال هم از

آنهاست؛ ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرای

۷۳/۱۱/۱۹

شیعه داده شود.

### احکام و مسائل متفرقه مدارس

﴿س ۲۲۴﴾ آیا اگر بخواهیم فرضاً وضویمان را در مدرسه بگیریم و برای

خواندن نماز به جای دیگر برویم، می‌توانیم با این وضو نماز بخوانیم یا

خیر؟

ج - وضو گرفتن در مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آب آن را

برای همه وقف کرده‌اند یا برای محصلان همان مدرسه، در

صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال

ندارد؛ و اگر مردم وضو نمی‌گیرند، نمی‌تواند با آن آب، وضو

بگیرد و نماز را در جای دیگر بخواند؛ مگر یقین داشته باشد

۷۹/۷/۱۴

که وقف عام است.

﴿س ۲۲۵﴾ اموالی که تحت عنوان هدیه از طرف اداره آموزش و پرورش

به مدارس داده می‌شود، در صورتی که گیرنده اموال، اموال را در یک

مدرسه گرفته و قبل از مصرف، به مدرسه دیگر منتقل شده، آیا می‌تواند در

این مدرسه آنها را خرج کند؟

ج - هدیه دولتی تابع مقررات، و هدیه غیر دولتی تابع نظر هدیه کننده است، و تخلف از مقررات و نظر هدیه کننده، هر چند از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر، جایز نیست. ۷۴/۷/۴

#### مدارس غیر انتفاعی

﴿س ۲۲۶﴾ آیا ساختن مدارس غیر انتفاعی توسط اشخاص در محله‌های مختلف شهر که موجب اذیت و آزار همسایگان می‌شود جایز است؟

ج - تابع قانون و مقررات است، اما به طور کلی ایجاد مزاحمت و ایدای افراد در همه جا حرام است و باید از آن اجتناب کرد و فرقی بین اماکن نمی‌باشد. ۸۶/۹/۵

#### مدرسه سازی توسط بیگانگان

﴿س ۲۲۷﴾ در منطقه‌ای شیعه نشین به دلیل جاذبه‌های طبیعی، سیاحان خارجی رفت و آمد می‌کنند و به دلیل ضعف فرهنگی و نبود امکانات توسط دولت، گاه افراد فوق (سیاحان خارجی) برای مردم مراکز فرهنگی و مدارس تأسیس می‌کنند. آیا در این مناطق، دادن زمین به آنها و احداث مدارس و مراکز فرهنگی توسط آنان جایز است و آیا مسلمانان شیعه می‌توانند فرزندان خود را به این مراکز بفرستند؟

ج - به طور کلی ارتباط با انسان‌ها، چه مسلم چه غیر مسلم، بر فرض اینکه هیچ مفسده‌ای نداشته باشد مانعی ندارد؛ اما اگر احتمال تأثیر عقاید باطل و غیر اسلامی

آنها در کار باشد، به خاطر احتمال فساد عقیده، ترک ارتباط با آنها لازم و واجب است. اما تأسیس مدارس و مراکز فرهنگی تابع مقررات و نظر مسئولین فرهنگی، طبق قانون مصوب است.

سفید